

خوشبینی و اعتماد دولت و ملت

هان ای مالک: والی باید به رعیت خوشبین و امیدوار باشد، و بهترین راهش این است که بایشان نیکی و احسان کنی، و بارهزینه و مخارج آنان در راحتی المقدور سبک ساخته و ایشانرا مجبور به کاری نکنی که از عهدشان ساخته نیست و یاجداً مایل بدان نیستند، در اینصورت تو نسبت بآنها خوشبین خواهی شد و طبعاً آنها نیز بتو خوشبین و امیدوار خواهند بود و نمیدانی که خوشبینی ملت و دولت نسبت بیکدیگر چه رنجهای فراوان را از میان می برد و چه صفائی بینشان ایجاد می سازد.

و تردیدی ندارد که هر چه با ملت بیشتر خوش رفتاری کنی به آنها خوشبین تر خواهی شد، و هر چه با آنها بد رفتاری کنی نسبت بآنها بد گمان تر خواهی بود ...

الا ای مالک: هرگز روشهای نیکو و سنتهای خوب و قوانین عادلانه ای که پیشروان این امت، بنیاد نهاده، توده هارا بآنها پیوسته و امورشان را اصلاح کرده اند نقض مکن! و هرگز سنتهای بد و روشهای ناهنجار را جایگزین آداب و سنن خوب گذشتگان مساز! و بنیاد بد در اجتماع مگذار! امباد آنها که روشهای نیکورا بنیاد نهاده اند اجر برند و وزر و وبال نقض آنها بگردن تو بماند.

• مالکا: درباره تثبیت رسوم نیکو و وضع موجودی که به صلاح ملک و ملت است همواره با دانشمندان و فرزانتگان در تماس باش و بآنها گفتگو نموده مشاوره نما!

قسمتی از معنی فرمان

توضیح و تفسیر

یکی از بهترین راههای جلب دوستی و اعتماد دیگران، احسان و کمک به آنهاست کسی به دیگری نیکی می کند هر چند او را دوست نداشته باشد و صرفاً بخاطر انجام وظیفه انسانی

کمک کند طبعاً محبوب کمک شونده واقع خواهد شد .

وهراندازه این احسان و نیکی بیشتر تکرار شود دوستی و محبت زیادتر شده تا جائیکه احسان کننده خود نیز درک خواهد کرد راستی محبتش در قلب طرف جایگزین شده است طبیعی است بحکم آنکه دوستی یکطرفه معنی ندارد ، همین که کسی خود را محبوب دیگری بداند ، محبت او را بدل خواهد گرفت و رابطه دوستی از دو طرف برقرار خواهد شد .

شکی نیست که با ایجاد دوستی و محبت ، تفاهم و خوشبینی بوجود آمده زنگهای ملال و کدورت زدوده خواهد شد حالا اگر بین دولت و ملت چنین ارتباطی بوجود آید ، و یک چنین تفاهم و خوشبینی برقرار شود چه اندازه مشکلات اجتماعی خود بخود حل خواهد شد ناگفته پیدا است !

برای بوجود آمدن حسن تفاهم بین دولت و ملت ، و برقراری حسن ظن بین مردم و حکومت امام (ع) به فرماندارش دستوراتی میدهد :

- ۱ - به آنها نیکی و احسان کن !
- ۲ - تا میتوانی هزینه زندگی مردم را کم کن ، تا میشود از آنها مالیات کم تر بگیر او نرخها را کنترل نموده و از عوامل ترقی قیمتها حتی المقدور جلوگیری نما !
- ۳ - مقررات مملکتی را با توجه به میزان قدرت و توانائی مردم وضع نموده و برای اجرای آنها نیز بیش از حد توانائی مردم اصرار نورد
- ۴ - سنتها و روشهای خوب گذشتگان را نقض مکن .

* * *

چه بسیار دولتهائی را تاریخ بیاد دارد - و نمونه هایش را ما خود نیز دیده ایم - که بخاطر اینکه نتوانستند باملتشان تفاهم برقرار سازند ساقط شدند و از بین رفتند ، چه حکومتهایی که بعلمت اینکه نتوانستند هزینه زندگی مردم را کم کنند سرنگون شدند ؟ چه نهضتهائی که بخاطر مبارزه با ظلم و زور ، گرانی سرسام آور و با فشار بی حد مالیاتها در گذشته و حال برپا شده و میهود !

چه اندازه فرماندهان و زمامدارانی که سر در راه ظلم و زور گذاشتند ! حکومتهایشان واژگون شد ، و ستاره اقبال آنان دچار غروب و افول گردید !

الی ماشا الله ! !

بد نیست یکی دو نمونه را علاوه بر صدها نمونه ای که دیده و یا شنیده اید از زمان تاریخ

بشنوید !

هشام بن عبدالملك یکی از خلفای مقتدر و سیاستمدار بنی امیه بود که او را مورخان بزرگ یکی از سه تن سیاستمدار بزرگ بنی امیه می‌شمرند!

همین هشام وقتی به حج رفت ، ششصد شتر تنها لباسهای سفری او را می‌کشیدند ! و وقتی از دنیا رفت با اینکه یازده پسر داشت و بهر کدام از مال نقد يك میلیون دینار می‌رسید ، جنازه اش از بی کفنی بروی زمین ماند تا گندید ! و برادر زاده اش که جانشین او بود اجازه نداد بدن خلیفه را در پارچه‌ای از اموال خودش کفن کنند ، و بعضی از پسر هایش مجبور شدند برای امرار معاش خویش به **تون تابی** حمام مشغول شوند !

فاعتبروا یا اولی الابصار !

القاهر بالله از خلفای بنی عباس بود ، کودتائی رخ داد ، میل به چشمش کشیدند ، کور و نابینا شد و مانند سایر گدایان در مسجد جامع منصور در بغداد گدائی می‌کرد و می‌گفت : ایها الناس تصدقوا علی ، بالامس کنت امیر المؤمنین وانا الیوم من فقراء المسلمین ، مردم به من کمک کنید و صدقه بدهید ، بخدا تا دیروز خلیفه مسلمانان بودم و امروز از فقراء و گدایان مسلمینم !

این بود دونهونه بسیار کوچک از عواقب ظلم و زور و بی اعتمادی ملت به رئیس دولت از این جهت امام (ع) به فرماندارش دستور می‌دهد که بین خود و ملتش حسن ظن و تفاهم بوجود آورد و سپس می‌فرماید : فان حسن الظن یقطع عنک نصباً طویلاً

اعتماد و خوشبینی ، بارهای گرانی را از دوش تو برمی‌دارد ، و مشکلات را حل می‌کند .

عزیز نسین نویسنده معروف ترك داستانی عالی دارد برای نشان دادن عواقب ظلم و زور . بی‌مناسبت نیست مختصرش را برای خوانندگان نقل کنیم !

در روزگاران قدیم ، در صحرائی بین شرق و غرب ا کمی دورتر از غرب و اندکی نزدیک‌تر شرق ا و شاید هم برعکس ا چوپانی زندگانی میکرد و گوسفندانی داشت از آنها شیر می - دوشید ، از پشم و گوشته‌شان استفاده میکرد ، ولی بهیچوجه قانع نبود ، **اللهاردا** از گوسفند بیست کیلویی ، چهل کیلو شیر بدوشد ! و این شدنی نبود کم کم گوسفندها میبردند ، تلف می‌شدند ، و اوتلافی سرزنده‌ها در می‌آورد .

بره کوچکی داشت ، از بره کوچک هم انتظار شیر داشت ا هر چه بره التماس میکرد که

عالیجناب! من بره‌ام و نمیتوانم شیر بدهم، چوپان قبول نمی‌کرد و بره‌را بیاد کتک می‌گرفت: کم‌کم بره‌راه فراد را آموخت، بکوه و دشت‌ها پناه می‌برد ولی باز هم چوپان دست از سرش نمی‌کشید و با چوبدستی دنبالش میرفت، در اثر کتک فراوان گوشت بره سفت و سخت شده بود و در اثر تمرین فراوان! سمهایش تبدیل به چنگال شد، دنبه‌اش نیز آب گردید و دمی سخت شبیه تازیانه محکمی پیدا کرد! کم‌کم توانست گاز بگیرد! چنگال بزند! بادمش از خود دفاع کند، حالا دیگر به چوپان التماس نمی‌کرد، در برابر اومی ایستاد، طولی نکشید بره ضعیف تبدیل به گرگی بی‌رحم شده بود، ایندفعه چوپان به او التماس میکرد، بره عزیزم! مرا ببخش! بره پاسخ داد: دیگر دیر شده من هر چه بتو التماس کردم گوش ندادی، و امروزه التماس‌های تو در من اثر ندارد! آری بره کوچک تبدیل به گریه شده بود، گرگی توانا و نیرومند که چوپان بی‌رحم را درید!

و از این جهت امام (ع) به مالک می‌فرماید: فان حسن الظن یقطع عنک نجا طویلا و برستی که خوشبینی و حسن ظن تو و ملت نسبت بیکدیگر چه بارهای گرانی را ازدوش تو برمی‌دارد و چه درنجهای فراوانی را که از میان می‌برد.

سنت شکن هباش!

در میان هر ملت آداب و سنتی موجود است که با روح و جان آن ملت پیوندی ناگسستنی دارند، این آداب و سنن بر دو گونه‌اند خوب و بد، همان اندازه که رسوم بد و پوسیده مضرو زیان‌بخشند، آداب و رسوم خوب مفید و بدرد خوردند، اسلام نه تنها با کلیه رسوم و آداب اعم از خوب و بد بمبارزه بر نخواست: بلکه تنها رسوم و آداب بدو زشت را که از نظر عقل و یا قانون مردودند! رد کرده، و رسوم و آداب خوب و مفید را تأیید فرموده است.

«هنستسکیو» در روح القوانین مبارزه با رسوم و عادات خوبی اجتماعی را استبداد فکری

و معنوی معرفی نموده مینویسد!

«استبداد فکری یا معنوی عبارت از این است که دولت رسوم و مقرراتی وضع نماید که در

نظر مردم غریب و عجیب و غیر عادی بیاید و با ذوق مردم موافقت نکند»

و سپس مینویسد: «عواملی که بر انسان حکومت می‌کند عبارت است از آب و هوا، مذهب

سرمشغله‌های گذشته اخلاق، آداب و رسوم، اصول حکومت، مجموع این عوامل روحیه عمومی

ملت را تشکیل میدهد...

... بقیه در صفحه ۵۵

(۴)

بی پیرایگی و همه جانبه بودن اسلام

گرچه همهٔ ادیان در زمان نزولشان برای مردم همان عصر، قابل فهم ، دور از ابهام ، ساده و همه جانبه بوده است ، اما گذشت زمان ، اغراض شوم و جهالت و نادانی بعلاوه پدید آمدن حوادث و مقتضیات جدید ، عواملی بوده است که آنها را از سادگی و همه جانبه بودن خارج می‌کرد و انواع پیرایه‌ها و خرافات و پیچیدگی در آنها پدید می‌آورد و آنها را در راه مقاصد شوم ، بکار می‌انداخت !!

هنگامیکه اسلام بعنوان يك آئین جهانی به مردم ابلاغ میشد ، ادیان متداول آن عصر سر نوشت بسیار بدی داشتند ، انواع پیرایه‌ها به آنها بسته بودند یا تنها توجه آنها به مادیات بوده و یا انحصار يك سلسله اخلاقیات و معنویات خشک و بیروح داشتند یا نمیتوانستند نیازمندیهای همه جانبهٔ زندگی را رفع کنند و نه قدرت اقتناع عقول و افکار باریک بینان و نکته سنجان را داشته‌اند ، گاهی خدایا در قالب موجوداتی بیجان و یا جاندار مجسم می‌کردند و گاهی زندگی را منحصر بهمین چند دروزهٔ دنیا و کيفر و پاداش زود گذران ، میدانستند و زمانی اختلاف طبقاتی و تبعیضات نژادی را دامن می‌زدند و در فرصتی هم ، آنچنان دست مؤبدان و خاخامها و کشیشان را باز می‌گذاشتند که حتی خرید و فروش بهشت و جهنم در اختیار آنها بود !

اگر کسی می‌پرسید: چطور خداوند تا این حد میان افراد بشر تبعیض قائل شده که گروهي را (برهمنان) از قسمت علیای خود، و دیگران را از قسمت سفالیش می‌آفریند؟! و یا چگونه ممکن است آتش ، مظهر خدا باشد و آتشکده‌ها همواره روشن باشد؟! و یا چطور راست که « بنی اسرائیل » ملت برگزیدهٔ خدا بوده ، و سایر ملل برای بهره‌کشی آن ، آفریده شده‌اند؟! و یا نظائر اینگونه پرسشها که هنگام برخورد با پیروان مذاهب بزرگ و مطالعهٔ کتب تاریخ ادیان و ملل و نحل ، برای آدمی پیش

می‌آید ، پاسخی که میشنید قانع‌کننده نبوده مرجع اکثر آن‌این بود که قلمرو دین از منطق و استدلال جدا است !!

ولی اسلام ، از همه این پیرایه‌ها و خرافات ، بدور است ، نه پیچیدگی و ابهامی دارد نه خدارا از مقام خدائی پائین می‌آورد ، نه تبعیضات نژادی و اختلاف طبقاتی را تصویب میکند نه آزادیهای مشروع را سلب می‌کند ، به انسان آزادی بی‌حد و حساب میدهد ، نه زندگی خود را تنها صرف معنویات و امور مربوط به آخرت میکند و از مظاهر زندگی دنیا چشم‌پوشد ، و نه کوچکترین نیازمندی مادی و معنوی جامعه و فرد را نادیده می‌گیرد و نه ... و نه ...

آنچه را که به صورت عقائد اراکه میدهد ، دوازدهم هر نوع ابهام و مطابق با حکم عقل است ، عبادات و احکامش همه دارای مصالح بوده ، قوانینش همه جنبه خرد پذیر است .

عامل پیشرفت اسلام ، در درجه اول همین پیراستگی و قابل فهم بودن و همه جانبه بودن قوانین آن میباشد .

مصاحبه مفروق با پیامبر اسلام

پیامبر اسلام ، چندتن از بزرگان قبیله « بنی شیبان » را دید و آنان را بدین خدا دعوت کرد و به آنها فرمود : « شمارا دعوت میکنم که به وحدانیت خدا گواه دهید و بدانید که من پیغمبر خدایم و مرا پناه دهید و یاری کنید ، زیرا قریش بمخالفت با او امر خداوند بر خاسته پیغمبر خدا را تکذیب میکنند و باطل را گرفته و حق را رها کرده اند و خدا است که بی نیاز و شایسته حمد و سپاس است »

یکی از آنها که نامش « مفروق » و مردی خوشروی و زبان آور بود گفت : « دیگر به چه دعوت میکنی ؟ پیامبر اسلام آیه ۱۵۱ از سوره انعام را برای او تلاوت فرمود . مفروق گفت : « این سخن مردم زمین نیست ، اگر از سخن مردم زمین بود ، ما می‌شناختیم »

سپس گفت : « دیگر به چه دعوت میکنی ؟ » پیامبر اکرم آیه زیر را قرائت فرمود :

إِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَالْبَغْيِ يَبْغِي لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ « یعنی : خدا به عدالت و نیکو کاری و پیوند با

خویشاوندان امر میکند و از کار زشت و ناپسند و ستم نهی میکند ، خدا شمارا پند میدهد شاید پند گیرید (سوره نحل آیه ۹۰) .

مفروق گفت : « به خدا که توبه تمامی اخلاق و اعمال نیک ، دعوت کردی

مردمی که از حق روگردانند و ترا تکذیب کردند و با تو دشمنی ورزیدند ،

سخت گمراهند (۱)

آیا چه عاملی باعث شد که فرد کافری با شنیدن دو آیه قرآن، تسلیم شود و اقرار به حقانیت این دین کند، آیا عاملی جز برتری قوانین اسلام و در عین حال بر پیرایه گی و سادگی و همه جانبه بودن آن داشته است ؟

دکتر و انگلیسی استاد دانشگاه ناپل اعتراف میکند :

« اسلام در تماس با هر فردی دعوتی دارد مرکب از دورکن :

۱ - اینکه شخص به یگانگی خدا ایمان بیاورد .

۲ - معتقد شود به اینکه محمد (ص) فرستاده خداست .

پیامبر اسلام با صدائی که بر اثر ارتباط عمیق با پروردگارش به او وحی شده بود، خالص ترین و پاک ترین نوع یگانه پرستی را به پرستندگان خرافات و سحر و جادو، و به پیروان مسیحیت و یهودیت که وسیله، کشیهای خود به فسادگرائیده بودند تبلیغ کرد. او آشکارا خود را با تمایلات ارتجاعی و رغبت های کهنه پرستی بشر که منتهی به شرک میشد، مخالف، قلمداد نمود « بگو اوست خدای یگانه، خدای مستقل و مورد احتیاج همه، نزاآیده است و زآئیده نشده است و هیچ نظیر و شبهی ندارد » (۱)...

صرف نظر از دواصل اساسی یادشده، یعنی یگانگی خدا و رسالت محمد (ص) سایر اصولی که مسلمین به آن ایمان دارند و جامعه اسلامی آنرا پذیرفته است، بعد از قرنها مطالعه و بحث و مناظره، در وضعی قرار ندارد که به هیچ صورتی با علوم طبیعی جدید مابینتی یا با حقایق فلسفی مخالفتی داشته باشد...

در صورتیکه سایر ادیان، بطور کلی عقاید و نظرانی را به پیروان خود تحمیل می کنند که فهم و درک آنها بسیار دشوار است.

اسلام دینی است که به نحو معجزه آسائی مملو از سهولت و سادگی و زیبایی است. این معنی نیز در موقع فتوحات اولیه علت و موجب دیگری از سرعت انتشار و نفوذ آن در میان مردمی بوده که بر اثر مهم بودن پاره های از عقائد دینی شان؛ دچار یکرشته اضطراب و تشویش روحانی و ذهنی شده بودند و امر و زنی علت نفوذ مداوم و مستمر آن در میان ملل آسیائی آفریقائی همان جهت است، زیرا اسلام میتواند بدون مراجعه به بسط و توضیحات؛ یا بدون احتیاج به تشریفات پیچیده و تودرتو در روح آنها نفوذ کند (۲)

اعترافی دیگر؟

استاد « نشکنتا بادھییا » رئیس سابق دانشکده « حیدرآباد » و استاد تاریخ دانشکده

۱ - سوره اخلاص آیه ۱ تا ۵

۲ - پیشرفت سریع اسلام. نوشته بانو دکتر توکیچیا و انگلیسی استاد دانشگاه ناپل

ایتالیا ترجمه سیدغلامرضا سعیدی ص ۳۳- ۵۵

«مهر اجا» در «میسوری» پس از تحقیق و بررسی عمیق دربارهٔ ادیان و مذاهب بزرگ، چون تنها آئین اسلام را جوابگوی نیازمندیهای مادی و معنوی بشر و دور از هر نوع ابهام و پیچیدگی می‌یابد، از این جهت مسلمان میشود و علت اساسی اسلام آوردنش را سه اصل زیر میداند:

۱ - درستی تاریخ اسلام و اینکه آن تنها آئینی است که از نظر تاریخی سند محکم و درستی دارد.

۲ - آئین اسلام؛ با عقل و دانش سازگاری تام دارد.

۳ - اسلام، آئین عملی است نه خیالی

او در توضیح اصل دوم و سوم اینطور ادامه میدهد: اساس اسلام بر سه پایه یگانگی خدا و نبوت محمد (ص) استوار است. آنگاه می‌افزاید: لازم است هر فرد صحیح و عاقلی در برابر این حقیقت ساده بزرگ که عبارت از یگانگی خدا است، تسلیم شود (نه مانند خدای یکتای یهود که مختص بخود آنها است)

در اسلام، تعالیمی مانند اینکه سه خدا در عین وحدت (تثلیث) و یاسی میلیون خدا (همچنان که در میان بودائیان و برهمنائیان و بت پرستان موجود است) وجود ندارد.

علاوه بر اینها، اسلام مطابق با نیازمندیهای مردم هر عصر و زمان و سازگار با فرهنگ و دانش است.

پردهای از خوش باورها پنداشته اند که آئین بودا و مسیح نیز بر نیکوترین کمالات استوار است ولی باید دانست که این جز يك خطای بزرگ نیست زیرا تعالیم فعلی آنها بیشتر به قصه‌ها و حکایات بی اساس شباهت دارد و به شعر و افسانه بیشتر شبیه است تا به يك آئین آسمانی که می‌باید با نیازمندیهای هر عصر و زمانی موافق باشد.

بنابراین: در مرحلهٔ نخست، حالات بشر را باید در نظر گرفت آنگاه دربارهٔ کمال تعالیم آئینی نسبت به فائده‌ای که از آن عائد جامعه میشود، قضاوت کرد.

تمام تعالیم اسلام، از مسائل مربوط به تشکیل خانواده گرفته تا مسائل مربوط به حکومت و تجارت و پیوندهای اجتماع، همه بر اساس همین اصل (مطابق بودن با نیازمندیها و علم و دانش) استوار است (۱)

با توجه به مطالب و اعترافات فوق، بطور یقین میتوان گفت که یکی از بزرگترین عوامل پیشرفت اسلام از زمان پیامبر اکرم تا عصر ما همان، بی‌پیرایگی و همه‌جانبه بودن این آئین مقدس است.

نا تمام

کمراهی و سرگشتگی

علم و حکمت برای او انتخاب نموده است و هیچگاه به پیروزیهای عقل و علم در عالم ماده و به مهارتهای خود در ابتکارات مادی مغرور نگردد (در آن هنگام که قدرت مادی او بالا رود و چنین درک کند که در این میدان به موفقیتهای محیرالعقول و خارقالعادهای رسیده) و این غرور او را از تطبیق تحقیقات جهان ماده بر عالم حیات و بخصوص حیات انسانی باز ندارد و در غیر اینصورت پیروزیهای مادی چنان انسان را مفتون خواهد نمود که طریقی مستقل و جدا از راه مستقیمی که خدای بزرگ نشان داده برمیگزیند و از فرمان خالق جهان سر بر میتابد...

* * *

آنچه که برای اولین بار در اروپا بوقوع پیوست و سپس چون سبیلی بنیان کن تمام روی زمین را فرا گرفت يك نهضت ضد خدائی و سر بر تافتن از اطاعت پروردگار بود و از همین رهگذر گمراهی و شقاوت و هلاکتی که بشریت

نادانی مطلق انسان نسبت بخود آنگاه که دکتر الکسیس کارل در نیمه دوم قرن بیستم آنرا ترسیم نموده، بطور قطع در قرون گذشته و قبل از آنکه کوششهای فراوانی در صحنه معرفت و شناسائی انسان و علوم انسانی صورت گیرد، بیشتر و عمیقتر بوده است و این جهل علیرغم مجاهدتهای دانشمندان و تشکیل کنگره های متعدد علمی و بحثهای گوناگون هنوز وجود دارد و جوانب مهمی از جهان درونی ما هنوز ناشناخته مانده است برای اینکه از یکطرف دشواریها و مشکلات لاینحلی در ذات تاریخ و شناخته نشده مسأله پیچیده و سردرگم «حیات» وجود دارد و از طرف دیگر در طبیعت و ذات عقول ما...

جهل انسان نسبت بخود مقتضی است که همواره در سایه انوار هدایتیهای الهی بسربرد و خود را به مبده جهان آفرینش نزدیک کند و پناهگاهی جز او برای خود نجوید و در راهی گام بنهد که خدای عالم و حکیم آن راه را از روی

انسان و ناتوانی معنوی او تفاوت قائل بوده میگوید: قدرت و توانائی انسان در صحنه جهان ماده هیچگاه عجز و ناتوانی او را در ترسیم راه حیات و زندگی انسانی توجیه نخواهد کرد ...

مخالفت اروپا با دین داری عوامل شناخته شده‌ئی است که در اینجاست به یکی از آن عوامل اشاره میکنیم:

* * *

در سایه اسلام بحثهای علمی در دانشگاه - های اندلس و شرق نضج گرفت - همانطور که دو هرنج و بریفولت به این حقیقت تاریخی اعتراف دارند - اروپا در قرن ۱۵ میلادی از این دانشگاهها برای نخستین بار الهام گرفت و برای اولین مرتبه در تاریخ خود به مکتب علوم تجربی آشنائی پیدا کرد راجر بیکن و فرانسویس بیکن از دانشمندان علوم تجربی اروپا هستند که علوم خود را مدیون دانشگاه - های اسلامی میدانند؛ راجر بیکن بطور صریح اعتراف میکند که دانش خود را از جهان اسلام اقتباس نموده است، ...

دو هرنج مینویسد:

«نظریات علمی راجر بیکن متین تر و محکمتر از هم اسم معروفش فرانسویس بیکن میباشد، چون او آراء علمی خود را از دانش گاههای اندلس اخذ نموده و فصل پنجم کتاب

او (Opuse Maius) که به بحث پیرامون

را در جهنم زمان ما سقوط داد، شروع شد و اکنون ملاحظه میکنیم که چگونه نوع انسان در شاداند و تنگناهای زمان خود گرفتار است ...

اخلاص و صراحت علمی شخصیتی چون دکتر کارل در نیمه دوم قرن بیستم پیرامون جهل فراوان انسان نسبت بخود، آنجا که میگوید:

«واقع امر اینست که نادانی ما درباره حقیقت انسان فراوان است» دیگر مجالی برای ادعای نامهای غیر عادلانه اروپا در طرد هر گونه توجیه و پدیده دینی باقی نمی گذارد.

از این واقعیت نباید غافل بود که تصادمها و برخوردهای زیان آوری که میان دستگاه کلیسا و دانشمندان اروپا بوجود آمد، مردم اروپا را از اطاعت کلیسا خارج ساخت و بطور کلی از اطاعت هردینی، آنها اساساً «دین» را از صحنه زندگی بیرون راندند بدون اینکه در این راه مجالی برای حکومت عقل و شعور انسانی باشد، آنها دین را بکلی طرد نمودند ولی نه بر اساس عقل و شعور باطن، اروپا در برابر دین بیباخاست و حتی حاضر نبود اولاً: کلمه‌ای را بشنود که میان دین واقعی و تشکیلات کلیسا فرق قائل است و ثانیاً: به مطلبی

گوش فرا دهد که میان توانائی مادی

« البصريات » اختصاص داده شده در حقیقت کپیه ای است از کتاب « المناظر » ابن هیثم (۱) و همه کتاب بیکن شاهد گویائی است که وی تحت تأثیر ابن حزم (۲) بوده است .

بریفولت در کتاب خود « ساختمان انسانیت » Makina of humanity می نویسد :

« راجر بیکن لغت و زبان و علوم عربی را در مدرسه اکسفورد نزد نمایندگان اساتید عرب اندلس فراگرفت و دور از حق و واقعیت است که راجر بیکن و سمی او فرانسوی بیکن را که پس از وی در جهان علم قد برافراشت از مبتکرین علوم تجربی بحساب آوریم بلکه راجر بیکن حامل علوم دانشمندان اسلامی بود که رسالت خود را در این قسمت در اروپای مسیحی انجام داد و خود او بهیچوجه از این حقیقت استنکافی ندارد که فرا گرفتن لغت و علوم عربی بود که او را به شناخت حقائق رهنمون بود ، و اما مناقشات و مباحثی که پیرامون بنیان گذاران اصلی مکتب تجربی در جریان است و میخوانند ابتکار آنرا به دانشمندان

غرب نسبت دهند ، چیزی جز تحریف مصیبت بار واقعیات که ریشه آن را باید در تمدن اروپائی جستجو کرد ، نیست و حال آنکه در عصر بیکن طریقی را که مسلمانان در علوم طبیعی از راه تجربه ارائه داده بودند در دائره بسیار وسیعی انتشار یافته بود تا آنجا که در آن زمان مردم سراسر اروپا با اعتماد و درعین حال حسرت هر چه بیشتر به تحویل آن مشغول بودند (۳)

و محققا یکی از گرانبها ترین مواهبی که از طریق تمدن اسلامی به دنیای جدید ارزانی شد موهبت علم و دانش بود ولی نتایج آن به کندی انجام پذیرفت ، آن زمینها و قدرت ها و عظمتهایی را که فرهنگ عرب در اسپانیا بوجود آورد پس از گذشت زمانی طولانی بشمر رسید و مدتها اشعه شکوهمند تمدن اسلامی زیر ابرهای تاریک مخفی بود . و تنها علم نبود که به اروپا حیات و زندگی را برگرداند ، بلکه عوامل فراوان دیگری از آثار تمدن اسلامی مشعلی را روشن ساخت که شعاع های تابان آن حیات اروپائی را روشن ساخت (۴)

۱ - حسن بن هیثم بزرگترین فیزیکدان مسلمان بود و یکی از بزرگترین محققان علم مناظر در تمام ادوار ، در واقع تحقیقات ابن هیثم درباره نور و قواعد انعکاس و انکسار آن منشأ کشفیات بعدی شد ، بطوریکه میتوان گفت اگر ابن هیثم نبود راجر بیکن بوجود نمی آمد و خود را جری بیکن در کتاب خویش مکرراً از ابن هیثم نام میبرد و از سخنان او نقل میکند ، وی بهر حال بهترین تجسم روح تجربی بود در تمام قرون وسطی (کارنامه اسلام صفحه ۶۶)

۲ - ابن حزم ظاهراً همان ابن النفیس دمشقی است که او را ابن ابی الحزم نیز می خوانند و همو بود که حرکت خون را در ریه قرن ها قبل از سروتیوس اسپانیائی که او را کاشف واقعی دوران دم میدانند ، بیان داشت .

۴ - همان کتاب صفحه ۲۰۲ .

۳ - بناء الانسانیه صفحه ۲۰۲

«اگر در یکی از نواحی اروپا نقطه روشنی در جهت تحقیقات علوم طبیعی پدیدار می - گردید ، بطور قطع از درخشندگی و شکوه - مندی فرهنگ اسلامی ریشه گرفته بود؛ در آن هنگام که در جهان امتیاز ثابت و مبداء روشنی برای مباحث علمی وجود نداشت ، آثار بارز و روشن و پر شکوه فرهنگ اسلامی برای دنیای جدید منبع محکم و مطمئنی بود برای روشن کردن نقاط تاریک علوم (۱) ...»

« ما تنها از این نظر که اعراب مسلمان کشفیات و ابتکارات مهمی را بما ارزانی داشتند مدیون آن ها نیستیم . بلکه بطور کلی در موهبت خود علم رهین منت آنانیم زیرا بعقیده ما در جهان قدیم علم بمعنای واقعی وجود نداشت و دانش نجومی و ریاضیات یونانی ، دانشهای بیگانه بود که یونانیان آنها را جلب نموده و از دیگران گرفتند و حتی در یک روز هم این علوم جهانی نشد و تنها با فرهنگ محدود یونانی ممزوج گردید ، و مکتب یونانی با آنها

نظم خاصی داد و احکام علوم را عمومی کرد و نظریات تازه ای بآن افزود و ولی از لحاظ اسلوب در سبک و روش و اتقان و جمع علوم و تثبیت آن ها و همچنین ابتکار روشهای تازه و متنوعی برای بررسیهای علمی و تحقیقات دقیق و دامنه داری در قسمت های مختلف علوم و بالاخره تأسیس مکتب تجربی ، با مزاج سبک علوم یونانی سازگار نبود و برای نخستین بار بحث های علمی با این سبک خاص در اسکندریه و در عصر هلمن بوجود آمد و آن علم واقعی که ما ادعا کردیم مدیون مسلمانان هستیم پیروی و اقتباس از مکتب تجربی و تطور در ریاضیات و بطور کلی تحول در علوم طبیعی میباشد که دانشمندان یونانی از آن کوچک - ترین اطلاعی نداشتند و همین روح پرابهت علمی بود که با اسلوب ویژه و شکوهمندش بوسیله اعراب در کشورهای اروپائی راه یافت (۲) .

تذکره و تصحیح

- ۱- در صفحه ۲۹ سطر ۷ شماره چهارمجله ، بجای : « یحب الخائنین » دلیحب الخائنین ، صحیح است .
- ۲- در صفحه ۲۳ سطر ۱۶ همان شماره بجای : « حیات از نظر قرآن و علم امروز... » شرط اساسی حیات از نظر... صحیح است .

— امتیازات رهبران آسمانی —

شخصیتهای بزرگ و عالیقدری که ازسوی پروردگار جهان برای هدایت و راهنمایی مردم از طریق وحی، مبعوث و برانگیخته می گردند ، رهبران آسمانی و پیامبران الهی . نامیده می شوند آنان در پر تو وحی که بتمام معنی واقع نما است و از هر گونه خطا و اشتباه مصون میباشد ، جامعه را بخیر و درستکاری هر دو جهان رهبری می نمایند .

بطور مسلم هر فردی لایق و شایسته این مقام نیست و افرادی میتوانند منصب رهبری را بعهده بگیرند که واجد يك سلسله شرایط باشند .

در درجه نخست باید معصوم از گناه باشند ، و در طول زندگی گرد گناه نگردیده ، دامن آنان آلوده بگناه نباشد. نه تنها باید در برابر گناه و هر نوع نافرمانی معصوم و بیمه گردند ؛ بلکه باید در ابلاغ احکام و مقررات الهی نیز از هر نوع اشتباه و خطا مصون و محفوظ باشند و از هر نوع بیماری و نقص عضوی که موجب تنفر و دوری مردم از گرایش به آنها میشود ، منزّه و پیراسته باشند تا بدین وسیله ، موجبات دلگرمی و علاقه مردم به گرایش به آئین آنان فراهم گردد .

این قسمت یکی از مباحث مهم بخش «نبوت» است که از نخستین روزهای تدوین علم «کلام» میان دانشمندان مطرح بوده، و کتابها و رساله‌هایی در این زمینه نوشته شده است .

از آنجا که زیر بنای تعالیم پیامبران را موضوع «وحی» و ارتباط با جهان غیب تشکیل میدهد در کتابهای «عقائد» بخشی بنام « وحی و حقیقت آن » مطرح گردیده و نظرات و آرائی درباره واقفیت این ادراک و شعور مرموز بیان گردیده است .

فشار بحث در این قسمت روی انتقاد از نظریه ایست که در کتابهای غرب -

زدگان و برخی از خاورشناسان زیاد به چشم میخورد و آن اینکه تعالیم پیامبران مولود نبوغ فکری و عظمت درک روحی آنان است. مادراین بخش به ثبوت خواهیم رسانید که کسانی که دستورات و مقررات پیامبران را زائیده قدرت فکری آنان می‌دانند، در حقیقت منکر اصل «نبوت» و سفارت الهی هستند البته نه بطور مستقیم بلکه بنحونا خود آگاه و بصورت غیر مستقیم. در طول تاریخ زندگی بشر، مقام شامخ «نبوت» همواره مورد نظر گروهی از شیادان و تبهکاران بوده که از طریق تزویر و دروغ در کسوت پیامبران درآمد و خود را سفیران الهی نامیده اند از این نظر دانشمندان برای شناسائی مدعیان دروغگوار پیامبران واقعی و راستین، طرق و راههایی را معرفی کرده اند که در پرتو آن میتوان نبی واقعی را از متنبی دروغگو شناخت و مادراینده درباره معرفی این طرق بطور مشروح بحث خواهیم نمود.

پیش از آنکه در باره این سه موضوع (۱) سخن بگوئیم باید موضوع «لزوم بعثت پیامبران» را مورد بررسی قرار دهیم تا اثبات شود که هرگز بشر بدون نور وحی و تعالیم پیامبران بکمال مطلوب خود نمی‌رسد.

این بحثهای چهارگانه اصول مباحث بخش «نبوت عامه» است که بحث: کاملاً جنبه کلی و عمومی دارد و نبوت فرد خاصی مطرح نیست. ولی اگر محور سخن اثبات و بیان دلائل نبوت فرد خاصی باشد از آنجا که در این موقع بحث از جنبه کلی و عمومی خارج میشود ناچار باید در بخش دیگری بنام «نبوت خاصه» از آن بحث شود.

اکنون بحث مادرباره نبوت عامه است، یعنی آن سلسله بحثهایی که مربوط به اصل «نبوت» است و نبوت شخص معین و خاصی مطرح نیست.

۱- دانشمندان علم کلام نبی و پیامبر را چنین تعریف می‌کنند: «ان یکون الانسان مبعوثا من الحق الى الخلق» شرح تجرید قوشجی ص ۴۶۱ و بهتر اینست که جمله دیگری به آن افزوده شود: «لهدایتهم الی مافیة خیرهم و صلاحهم فی الدارین».

این سه بحث عبارتند از:

۱- شرائط روحی و جسمی پیامبران ۲- وحی و حقیقت این ادراک مرموز ۳- راه شناسائی پیامبران، و با افزودن بحث «لزوم بعثت پیامبران» اصول مباحث نبوت عامه در این چهار بحث خلاصه میگردد.

گفتاری از براهمه

«برهمنها» برخلاف همه پیروان ادیان، جامعه انسانی را از مطلق تعالیم پیامبران بی نیاز دانسته و نهضت پیامبران را يك امر لغو و بیهوده تلقی نموده اند.

«شهرستانی» در کتاب «ملا و نحل» خود در بخش آراء هندیان نظرات و دلائل آنها را بطور اجمال نقل نموده است (۱) اینک مادر اینچا بطور فشرده دلائل آنان را بررسی کرده سپس به تشریح دلائل لزوم بعثت پیامبران می پردازیم ، میگویند :

۱- برنامه پیامبران آسمانی ، یا با آنچه که عقل و خرد درک میکند ، موافق است و یا مخالف ، در صورت نخست ، نیازی بتعالیم آنها نیست ، زیرا هر فردی از طریق خرد تعالیم آنها را درک مینماید ، و در صورت دوم شایسته پذیرش نیست ، و هرگز يك فرد با وجدان نمیتواند گفتاری را که برخلاف عقل و اوست ، بپذیرد .

پاسخ : ریشه اشتباه در این استدلال اینست که آنان برنامه های پیامبران را در دو نوع (موافق عقل و مخالف آن) خلاصه کرده ، و از چهار چوبه آن دو ، بیرون ندانسته اند ، در صورتی که «ره آورد» ، «وحی» میتواند چیزی غیر از این دو نوع باشد ، یعنی امکان دارد پیامبران در پرتو وحی ، تعالیم و برنامه هایی را عرضه بدارند ، که عقل و خرد را بدون راهنما - پیامبران یارای درک آن نیست و مرغ اندیشه هیچ دانشمندی هر چه هم بلند پرواز باشد بدون راهنمایی پیامبران موفق به درک آن نمی گردد .

اگر بنا شود برنامه های پیامبران آسمانی را در يك جمله بیان کنیم باید چنین بگوئیم : تعالیم پیامبران یا با آنچه خرد درک میکند موافق است و یا مخالف و یا يك رشته دستورات و مقرراتی است که هر گاه ، از طریق وحی برای بشر بیان نگردد پیوسته برای او مبهم و مجهول می ماند ، و هرگز بشر با بال اندیشه بدان راه نمی یابد .

بنابراین هر گاه مادر صورت اول از راهنمایی آنان بی نیاز باشیم ، در این قسمت به رهبری آنها نیاز کامل داریم .

بایک مراجعه به مقررات واقعی ادیان آسمانی و بالاخص آئین اسلام روشن می گردد ، که محور بحث آنان مسائلی است که همواره برای نوع مردم مبهم و مجهول بوده و اگر پیامبران عالیقدر آنان را راهنمایی نمی کردند غالباً ، در تشخیص حقیقت ، دچار اشتباه و گمراهی می شدند .

۲- سازمان جهان هستی ، ما را به سوی خدا رهبری مینماید . و عقل و خرد ، بشر را به

سپاسگزاری وی دعوت میکند ، در این موقع بشر چه نیازی به پیامبران دارد . زیرا دعوت پیامبران یا به سوی خدا و لزوم سپاسگزاری از او است ، این مطلبی است که ماهمگی آن را درک میکنیم ، و اگر برخلاف اینست ، در این موقع شایسته پیروی نیستند .

پاسخ :

این گفتار ، دلیل تازه ای نیست و تکرار همان سخن اولست ، منتها به صورت دیگر ، ولی باید توجه داشت که درست است که مسأله سپاسگزاری در برابر نعمتهای خداوند فطری و وجدانی است ؛ ولی چه بسیاری از مردم از امور وجدانی خود غفلت میورزند ؛ مانند « خدانشناسی » که از فطریات روشن و بارز انسان است ؛ و از نظریه های دلائل بیشمار دارد ؛ ولی چه بسا بر اثر نخوت و غرور و خودخواهی و شهوت رانی ، مورد غفلت واقع شده ، و انعکاسی در روح و روان ایجاد نمیکند ، در این صورت مریبانی لازم است که حجابهای غفلت را دریده ، و وجدان بشر را بیدار سازند .

و انگهی مگر نسخه سعادت پیامبران ، منحصر به خدا شناسی و شکر گزاریست که بر اثر وضوح و روشنی به چیزی نیاز نداشته باشد ، بلکه پیامبران همه نیازمندیهای بشر را در جهات مختلف اعم از فردی و اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی و نظامی و سیاسی ، با بر نامه های وسیع خود ، بر طرف نموده او را از هر نوع قوانین بشری که از خردهای نارسای بشر تراوش می کند ، بی نیاز میسازند .

۳- در برخی از شرایع آسمانی دستوراتی دیده میشود که با موازین عقل تطبیق نمیکند ، آنجا که انسان را از خوردن برخی از گوشتها و غذاهای مقوی جلوگیری نموده است گاهی دستور - هایی داده است که کوچکترین نفع و سودی ندارد ، مثلا فرمان داده که روبه و کعبه ، بایستیم و نماز بگزاریم و دور آن طواف کنیم و سنگی را اسلام و زیارت نمائیم ...

پاسخ :

اگر اصول و ریشه های آئینی با دلائل محکم و استوار ثابت گردید ، باید از همه دستور - های آن در امور جزئی پیروی نمود ، اگر چه راز و ملاک برخی از آن ها برای ما معلوم و روشن نباشد ، زیرا پس از آن که ثابت شد که شخصی برانگیخته خدا است ، و بر نامه های خود را از جهان وحی میگیرد دیگر نباید در جزئیات قوانین او تردید کنیم ، و به اصطلاح دودل باشیم ، و اگر هم به رازهای تکالیف وی واقف نگردیم باید آن را نشانه قصور و نارسائی فکر خود بدانیم و خود را تخطئه نمائیم ، نه اینکه تعالیم او را بیهوده بشماریم .

گذشته از این ، هر یک از تکالیف دارای مصالحی است که قسمتی از آن ها به مرور زمان روشن گردیده است و این قسم از دستورهایی وی یکی از دلائل حقاقت آورنده آن ها بشمار میرود .

اگر برخی از خوردنیها و نوشیدنیها را تحریم نموده است ، برای يك سلسله مفاسدی است که پنجه نیرومند علم ، پرده از روی آنها برداشته ، وایمان ما را به استواری آئین وی افزون نموده است .

اگر دستور داده که بسوی يك نقطه ای نماز بگزاریم ، خواسته است از این طریق وحدت پیروان خود را حفظ کند .

اگر دستور داده که استلام « حجر » نمائیم برای تجدید وزنده ساختن خاطره قهرمان توحید است که به کمک فرزند دلبنده خود در ریگستان حجاز ، برای سپاه توحید خانه ای ساخت ، و این سنگ از آثار دوران بناء کعبه است ، و استلام سنگی که ابراهیم خلیل الرحمن آنرا در خانه توحید بکار برده ، يك نوع تعهد و پیمانی است با «خلیل» که هیچگاه در زندگي گرد شرک نگردیم و از جاده توحید منحرف نگردیم .

برای توضیح و تقریب ذهن میتوان چنین گفت استلام حجر اسودبسان احترام به پرچم کشور است که سر بازان در پادگانهای نظامی در برابر آن سوگند یاد میکنند و به آن احترام میگذارند و احیاناً به خود آن سوگند میخورند .

پرچم هر کشوری ، پارچه ای بیش نیست ، اما از آنجا که آن پرچم در آئین سربازی رمز استقلال کشور ، و مظهر نیرومندی آنست از این نظر احترام به آن يك نوع احترام به میهن بشمار میرود .

۴ - کسانی که خود را پیامبر و برانگیخته آسمانی میدانند ، بشری مانند ما هستند و هیچ نوع مزیتی بر ما ندارند در این صورت دلیل ندارد که مادر بست در اختیار کسی باشیم که تفاوتی میان ما و او نیست .

پاسخ :

درست است پیامبران آسمانی مانند ما بشرند و از نظر جسم و جان با ما تفاوت چندانی ندارند و محکوم به قوانین طبیعی هستند ، ولی فقط يك تفاوت ، میان ما و آنها سبب شده که از آنان پیروی کنیم ، و آن مسأله نزول وحی و ارتباط با جهان غیب است پیامبران آسمانی همه بر نامهها و قوانین خود را از سرچشمه زلال و صاف « وحی » که کوچکترین خطا و اشتباه در بقیه در صفحه ۴۹

خلاصه قسمتهای گذشته

«کشور اسلامی» گینه، که صحنه حوادث شورانگیز داستان ماست در سال ۱۸۹۰ بتصرف فرانسه درآمد این کشور در افریقای غربی بین سنکال و مالی و لیبیریا و ساحل عاج قرار دارد مساحت این کشور ۶۸۶۵۹۶ میل مربع میباشد. قسمت مرزی گینه کوهستانی و سواحل آن قابل زراعت است.

داستان ما سالها قبل از استقلال این سرزمین آغاز میشود. يك شرکت مختلط اروپائی با اجازه از حاکم فرانسوی گینه تصمیم به کشف یکی از بزرگترین معادن آلومینیوم این کشور که در وسط جنگل نزدیک شهر «لابه» قرار دارد میگیرد.

اسمارت بروتون نماینده شرکت استخراج آلومینیوم تصمیم میگیرد يك مبلغ اسلامی بنام «عبدالحمید» را به

همکاری دعوت کند.

«عبدالحمید» که قصد دارد با دریافت حقوق قابل توجه از شرکت آلومینیوم مسجد نیمه تمام شهر «لابه» را اتمام برساند پیشنهاد شرکت را قبول کرده و بعنوان مترجم در آن شرکت استخدام میشود.

چند ساعت پس از ورود کاروان بزرگ شرکت به داخل جنگل اعضای نهضت آزادی بخش گینه که با کمپانیهای استعمارگر غربی مبارزه میکنند به کاروان نزدیک میشوند و با خواندن سرودهای هیجان انگیز مخالفت خود را با اقدامات شرکت ابراز میدارند. عبدالحمید که با شنیدن سرود نهضت آزادی بخش بهیجان آمده به نماینده شرکت اعتراض میکند اما بلافاصله مورد حمله شدید قرار میگیرد؛ و اکنون دنباله داستان ما،

سوگند



سعی کردم که پلک چشمهایم را باز کرده موقعیت خود را دریابم اما کوشش من بیفایده بود و حتی این ترس در وجود من راه یافت که ممکن است در اثر شدت ضربات نایبنا شده باشم.

کم کم احساس کردم که دو نفر در نزدیکی تخت، من یا هم صحبت میکنند. ابتداء حرفهای آنان برایم مفهوم نبود اما پس از

ضربات شدید و گیج کننده ای که بر سر و روی من وارد آمد آنچنان شدید بود که حتی پس از ساعتها بیهوشی کامل باز هم قادر به باز کردن چشمهای خود نبودم.

پس از بیهوش آمدن متوجه شدم که مرا روی يك تخت چوبی خوابانده و با پارچه محکمی پاهایم را بنخت بسته اند بطوریکه نمیتوانستم آنها را حرکت بدهم. چند بار

— شما دو روز تمام طبل زدید و سرود خواندید و کاروان ما را تهدید کردید ، فکر نمیکنید که آقای اسمارت بر وتون نماینده شرکت و سرپوست کاروان حق داشت با افراد زیر فرمان خود دستور دهد که بسوی شما تیراندازی کنند؟

مرد مجروح جواب داد :

شما خودتان میدانستید که ما اسلحه گرم نداریم «اسمارت بر وتون» خود نیز باین نکته خوب واقف بود و شما میدانستید که خطری شما را تهدید نمیکند . اما باز هم مزدوران شما با گلوله و آتش بما حمله کردند حمله بیشرمانه و دور از انسانیت بود من خوب میدانم که چرا «بر وتون» فرمان حمله داد، سرودهای ما قلبهای شما را میلرزاند زیرا که ما مانع بزرگی در راه غارتگری ما هستیم . شما از آن میترسید که فریادهای پر شور ما همه سیاهان و مردم بومی این سرزمین را بیدار سازد و آنوقت روز مارك و نابودی استعمار و پایان عمر شرکتها و کمپانیهای وابسته به آن فرا رسد . من میدانم ..

کشیش سخن مرد مجروح را قطع کرد و گفت :

— بگذارید باز هم از مذهب سخن گوئیم ؛ وظیفه من تبلیغ و بیان حقایق دین مقدس مسیح است ، من نمیتوانم در امور کمپانیها دخالت کنم . اجازه دهید آیاتی از انجیل را برایتان قرائت کنم . قرائت کتاب مقدس

مقدس

گذشتن دقایقی چند متوجه شدم که آنها بزبان فرانسه درباره مذهب باهم سخن میگویند در حالیکه من بزبان فرانسه تسلط زیاد نداشتم اما میتوانستم مکالمات آنها را بخوبی بفهمم . صدای یکی از آنها را فوراً شناختم . او کشیش کاروان بود که از ابتدای آشنائی ماسعی میکرد با محبت های ظاهری دوستی مراجلب کند. اما صدای نفردوم را شناختم و از بیانش معلوم بود که سخت مجروح است. اما با وجود آن و بدون لکننت حرف میزد . او به آرامی میگفت :

— آقای کشیش شما یکساعت تمام است که فقط از محبت سخن میگوئید. اما خودتان بچشم خود دیدید که مزدوران مسیحی کمپانی «کشف و استخراج آلومینیوم» چگونه بیرحمانه با افراد نهضت آزادی بخش حمله کردند و آنها را بزیر آتش گرفتند . راستی بفرمائید اینهمه سبعیت و وحشیگری محبت است؟ کشیش با صدائی خشم آلود پاسخ داد :

از دردهای شما می‌کاهد و بشما عمر دوباره می‌دهد .

مرد مجروح ابتدا کلماتی گفت که من خوب نشنیدم ولی بعد صدای خود را بلند کرد و گفت :

- کتاب مقدس شما یعنی این کتابی که شما «تورات و انجیل» فرض کرده‌اید و معتقدید عمر دوباره به انسان می‌بخشد در واقع عقل را حیران و سرگردان میکند . من هرگز مایل نیستم باشنیدن آیات آن از دردهای خود بکاهم . این چه کتاب مقدسی است که می‌گوید «..... و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ می‌خرامد و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان پنهان کردند و خداوند خدا آدم را ندا داد و گفت کجا هستی گفت چون آواز ترادر باغ شنیدم ترسان گشتم زیرا که عریانم پس خود را پنهان کردم (۱)

این چگونه خدائی است که در باغ خرامان خرامان گردش میکند . و یا با یعقوب کشتی می‌گیرد و چون با شکست روبرو میشود با خواهش و تمنا خود را نجات می‌دهد (۲) .
خدائی که شما مسیحیان تصور میکنید آن چنان چیز عجیبی است که هر انسان اندیش-

مندی از اعتقاد به آن ابا دارد . شما کشیشان خدائی را معرفی میکنید که هم یگانه است و هم سه گانه یعنی خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس . و بهمین موضوع قناعت نمیکنید بلکه میگوئید: عیسای مسیح خدا و شریک خداست و اوصاف خدائی دارد و حتی میگوئید که موجودات جهان بوسیله او و برای او آفریده شده و او قبل از همه است (۳) مرد مجروح ساکت شد . برای لحظاتی چند هیچ صدائی نشنیدم اینطور بنظر میرسد که کشیش سخنان او را توهینی سخت بخود تلقی کرده است و بالاخره گفت :

- دیگر نمیتوانم تحمل کنم .
و مرد فوراً گفت:

- شما کشیشان از همان روزیکه قرآن عظیم ما مبارزه مقدس خود را بر ضد بت پرستی و شرک شما آغاز کرد نمی‌توانستید تحمل کنید . قرآن همیشه تصریح کرده است که تثلیث و عقیده به سه گانگی خدا شرکی بزرگ است و میفرماید:

«ای پیروان کتاب در دینتان غلو نکنید و بخدا دروغ نسبت ندهید . جز حق نگوئید همانا مسیح پسر مریم فقط پیغمبری است و کلمه خداست که آنرا به مریم القا کرده است بقیه در صفحه ۵۴

۱- سفر پیدایش باب سوم آیه ۸ ۲- سفر پیدایش باب ۳۲ آیه ۲۴ تا ۳۲

۳- رساله بکولسیان باب ۱ جمله ۱۶ و رساله عبرانیان باب ۱ جمله ۲ و انجیل یوحنا

جمله ۱۹ (نقل از نشریه تثلیث)

روابط دولت اسلام با بیگانگان مقیم کشور اسلامی

همانطور که اسلام روابط دولت اسلامی را بادل و ملل بیگانه بر اساس قواعد و مقرراتی عادلانه استوار ساخته است برای تنظیم رابطه و معامله مسلمین با بیگانگان مقیم مملکت اسلامی نیز عالیترین نظامات و دستورات را در اختیار ایشان قرار داده است ؛ و اینک خلاصه‌ای از آن نظامات :

۱ - بیگانگان مقیم کشور اسلام در حقوق و تکالیف عمومی با مسلمین شریکند .

۲ - این بیگانگان در دین و عقیده خود آزادند ؛ و هیچکس حق ندارد که ایشان را در خصوص عقائد و معابد و رسوم و آداب دینی خود تحت فشار قرار دهد ؛ مشروط باینکه قیام باین رسوم و آداب موجب بی‌نظمی و بی‌سامانی در شئون دینی و اجتماعی مسلمین نشود .

۳ - حکومت اسلامی میتواند این بیگانگان را در مسائل اختصاصی ؛ بقاضی و دادگاه خودشان ارجاع کند ، و یا بمقتضای احکام و مقررات دین خودشان ، درباره ایشان حکم براند .

۴ - اجتماع اسلامی موظفست که در روابط عمومی اجتماعی ، این بیگانگان را مورد اشفاق و احسان قرار دهد . چنانکه پیامبر اسلام (ص) درباره خوشرفتاری نسبت بایشان سفارشهای اکید و بلیغ فرموده است .

یک مقایسه کوتاه

آنچه تاکنون از نظر خواننده گذشت خلاصه‌ای از قواعدی است که اسلام در پرتو آن روابط بین‌المللی را بطور عموم و خصوص تنظیم میکند .

اساس این قواعد را قرآن کریم بنیاد نهاده و حدود و شرائط آنرا معین

نموده است؛ و عمل پیامبر (ص) و یاران آن حضرت؛ آنرا مورد تفسیر و توضیح قرار داده است. آنگاه فقهاء اسلام آنرا مدار اجتهاد و ملاک استخراج احکام ساخته اند؛ تا جائیکه منطبقه آن چندان وسعت یافته که کلیه پیشامدهای سیاسی و روابط بین المللی را فرا گرفته است و راه حل همه مشکلات روابط جهانی را بر پایه رعایت منفعت عمومی و صلح و امنیت دامن دار در اختیار اهل حل و عقد نهاده است.

نکته شایان توجه در اینجا اینست که اسلام در روزگاری این قواعد را وضع کرد؛ و فقهاء و علماء اسلامی در زمانی با این قواعد آشنا شدند و آنرا اساس تدوین و تنظیم قوانین سیاسی قرار دادند که دولتهای متمدن قدیم؛ گرفتار عادات خشک و تقلیدهای ظالمانه ای بودند که برای انسان از نظر انسانیت، هیچگونه حتی قائل نبوده و به عدالت و صلح هیچگونه وزن و ارزشی نمی نهاد؛ چنانکه پس از تحول اوضاع روزگار و پدید آمدن تمدن جدید نیز دولتها همچنان به پیروی از روش اسلاف خود گام بر می داشتند تا فقیهی هلندی در قرن هفدهم میلادی مجموعه ای بنام «قانون بین المللی جدید» پدید آورد؛ و آنرا بر اساس قانون طبیعی - که رجال قانون این روزگار ارزش قانونی برای آن قائل نیستند - وضع کرد؛ و پس از آن دنیای بشریت برای ضمانت صلح در این روزگار از راه توسل به هیئتهای نیرومند بین المللی بر آمد؛ ولی جنگهای وحشتزائی که بدنبال هم، جهانرا بصورت جهنمی سهمگین درمی آورد گمراهی و خبط و خطای بشریت را در تشخیص راه مستقیم بطرف مقصد نهائی صلح و امنیت ثابت و مدلل می سازد؛ و ضعف و نارسائی اندوخته های فکر و اندیشه بشری را در برابر قواعد صریح و عادلانه اسلام نشان میدهد.

نکته اساسی و علت اصلی قدرت نظامات اسلامی اینست که اسلام این نظامات و قوانین را بنیان تکالیف مقدس آسمانی و احکام لازم الاجراء دینی، تشریح کرده است؛ و مسلمانها چه در باره خود و چه درباره دیگران بمقتضای عقائد دینی خود، از پیروی و اجراء آن ناگزیرند.

قرآن مجید در این باره می گوید: **ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** (۱) این مقررات و نظامات؛ فرمان خداست که میان شما، همیراند، و خدا نسبت بمصالح بشر؛ دانا و در تشریح احکام؛ حکیم است.

همچنین در تأکید همین حقیقت میگوید: **«أَنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»** (۲)؛ اگر این مقررات و نظامات را بکار نیندید فتنه و فساد بزرگ در جهان دامن

جانداران برق ساز !



پس از سالها تلاش و قرن‌ها تجربه و تحقیق ؛ سرانجام بشر توانست به راز الکتریسته پی -
برد و نیروی سرکش و حیرت انگیز آنرا مهار کند و آنرا در راه خدمت با اجتماع و انسانها و
برای گردش چرخهای عظیم صنعت و تکنیک بکار اندازد !

بجرات میتوان گفت که : کشف و تسلط بر نیروی الکتریسته و برق ، کانون و هسته‌ی
مرکزی تمام پیشرفتهای علمی و فنی انسانهای قرن فضا را ، تشکیل داده است .

آری با همین کشف زوایای تاریک زندگی بشر با نور خیره کننده و الوان برق روشن
شده و مشکل روشنائی و نور ؛ با مهار کردن الکتریسته و اختراع لامپ و ... برای همیشه
حل گردیده است ! ولی ...

آیا میدانید که از عمر این کشف و اختراع چیزی نگذشته است یعنی کمتر از یک قرن و
در حدود ۹۲ سال !

ولی در گوشه و کنار جهان طبیعت ؛ حیوانات و نباتات از این منبع نیرو و روشنائی
بهره مند بوده اند

« چهار صد میلیون سال پیش از آنکه بشر موفق با اختراع باطری و دینام شود تا بکهک
آن بتواند از جریان الکتریکی و برق بهره مند گردد ؛ برخی از حیوانات (و نباتات) خود
به تنهایی قادر بودند که جریان الکتریکی برقرار کرده و تولید برق کنند ، و بسیاری از آنها
دارای یک باطری کوچک می باشند ! » (۱)

حیوانی که دشمن را با شوک الکتریکی نابود میکند ؟

آیا تا کنون نام « ایل » را شنیده اید ؟ این حیوان جانور آبرزی عجیبی است که در
امریکای جنوبی و در رودخانه‌های « اورنیوکو » آمازون و در قسمت آبهای گل آلود زندگی
می کند و نوعی مار ماهی محسوب میشود !

(۱) ضمیمه‌ی شماره ۲۵ مجله تلاش آبان و آذر ۴۹ از مجله حیوانات .

باطری توسط « ولتا » ایتالیایی در سال ۱۸۰۰ و لامپ توسط ادیسون سال ۱۸۷۹ و
موتور برق بوسیله تسلا امریکایی در سال ۱۸۸۹ و امواج الکتریکی توسط هرتر در سال ۱۸۸۸
میلادی کشف شد .

طول آن در حدود ۲/۵ متر و رنگ آن قهوه‌ای و پرتقالی ، و سری شبیه سر مار دارد. يك هشتم مجموع پیکر این حیوان سر و شکم آن را تشکیل می‌دهد و بقیه قسمت دم آنست ! و همین قسمت از بدن آنست که بمنزله‌ی دستگاه مولد برق و در حکم يك توربین می‌باشد ! که از توده‌های سلول ژله شکلی است که متجاوز از دو میلیون سلول یا پیل میکروسکوپی می‌باشد و بمنزله تینه‌های الکتریکی يك باطری یادینام است و با نظام خاصی چیده شده است و تمام دستگاه برق این قسمت بوسیله چند رشته عصب که همانند سیمهای مسی و کابل می‌باشد ؛ به مغز این حیوان ارتباط دارد !

همانطوریکه جریان برق باطری‌ها یکطرفه است ، دستگاه مولد برق این حیوان نیز همیشه از یکطرف و از جانب مغز بسمت دم آن جریان دارد !

این قسمت نه تنها مولد برق می‌باشد بلکه برای این حیوان نیرومندترین و خطرناکترین اسلحه برای دفاع و نابودی دشمن محسوب می‌شود !

هنگامیکه حیوانك مورد حمله و شبیخون قرار گرفت و احساس خطر کرد ؛ تمام باطری خود را باز می‌کند و فعالیت شدیدی آغاز می‌کند و با شدت هر چه تمامتر جریان الکتریسته را بطرف مهاجم و دشمن یا شکار رها می‌سازد و بدینوسیله دشمن را دچار شوک برقی نموده و با ضربی الکتریکی آن را نابود می‌سازد و این عمل گاهی در يك ده هزارم ثانیه انجام می‌گیرد!!

دوازده لامپ ۴۰ وات را روشن میکند !

قدرت تولید برق این حیوان در زیر آب ۲۵۰ ولت و در سطح آب ۵۰۰ ولت می‌باشد . و این مقدار برق مساوی است با نیم « آمپر » یعنی صدوات که برای روشن کردن يك لامپ بزرگ کافی است و تا ۱۲ لامپ ۴۰ وات را می‌تواند در آن واحد روشن کند ! (۱)

همانطوریکه باطری و دینام پس از مدتی کار و مصرف ، خالی می‌شود و برای تجدید نیرو باید شارژ شود ، ایل نیز پس از مصرف برق در گوشه‌ای مدتی با استراحت می‌پردازد تا باطری‌های خود را دوباره پر کند و شارژ نماید! برای اولین بار در «اکوادریوم» نیویورک که يك ایل مدت چند سال در محفظه‌ی بزرگ و پر آبی نگهداری میشد ، مشاهده گردید که هر وقت یکی از تماشاچیان موجب ترس و اذیت حیوان مزبور میشوند ؛ جریان الکتریکی برقرار شده و حیوان با فشار شدید ؛ الکتریسته را توسط باطریها و پیلهای خود به طرف دشمن رها می‌سازد و با کمال تعجب می‌دیدند که لامپ نئون که در بالای سر حیوان تعبیه شده بود ؛ روشن میشود !

(۱) حواس اسرار آمیز حیوانات ص ۳۸

تکنیک استادانه‌ی این حیوان برای تولید برق؛ توسط پروفیسور «گرندفست Grund Fest

استاد دانشگاه کلمبیا، کشف گردید!

و تا کنون تقریباً صد نوع ماهی کشف شده که تولید برقی می‌کند و فقط بیست نوع از آنها توسط دانشمندان مورد مطالعه قرار گرفته است (۱)

حیوان دیگری که مجهز بدستگاه برقی می‌باشد «تورپیدو» است که مردم آفریقا آن را اشعه‌ی مرگ می‌نامند و در حدود ۲۰ کیلو وزن دارد!

و هنگامی که در معرض خطر قرار گرفت از انتهای دم خویش اشعه‌الکتریکی پخش می‌کند و این شوک برقی بقدری شدید و نیرومند است که انسان نیرومندی را از پادرمی آورد! راستی این همه صنعت و هنر را کدام مخترع و مهندس بوجود آورده و در چه کارخانه‌ای ساخته شده است؟! چه دست باحکمت و قدرتی و کدام علم و اراده‌ای این همه موجودات بدیع و شگفت انگیز را در میلیونها نوع و شکل و فرم گوناگون پدید آورده است؟ که هر یک به تنهایی شاهکار خلقت و آفرینش است؟!

با آنکه همزمان با گفتن یا دیدن یک لامپ برقی باطری و الکتریسته و... نام مخترع و کاشف آن چون «ادیسون» و... بنظر می‌آید و برای آنان نبوغ و دانشی فوق‌العاده قائل می‌شویم با آنکه آنان جز کشف و تقلید از صنعت و تکنیک پدیده‌های جهان آفرینش، چیزی انجام نداده‌اند! ولی آیا سزاوار است که بآیدن این همه شگفتی و ریزه‌کاری‌های علمی و فنی و صنعت و هنر زیبا و خیره‌کننده در موجودات دراز و درشت؛ خالق و آفریدگار آنها را نادیده انگاریم و دست قدرت و علمی‌را در آفرینش و اداره آنها دخالت ندیم؟!

آیا سزاوار است که در مقابل این همه نظم و صنعت که در پدیده‌های طبیعت بکار رفته و نمایشگر علم و قدرت بی‌پایان پدیدآورنده آنها است؛ سر تعظیم و خضوع فرود نیاوریم؟! آری خداوند بهمه چیز آفرینش داد و هر پدیده‌ای را بسبکی خاص و هماهنگ با آفرینش و خلقت آن هدایت و رهبری نمود و آنها را با نظام و ابزار خاصی برای ادامه حیات مجهز ساخت!

«الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» (۲)

بوحدا نیتش یابی گواهی
بصارت داد تا هم‌زاو هراسیم!

زهر شمی که جوئی روشنائی
خرد بخشید تا اورا شناسیم

(۱) حواس اسرار آمیز حیوانات ص ۳۷

(۲) سوره طه - آیه ۵۰



مسمومیت

۴ - موقعی که به بچه قرص و یادوای دیگر میدهید هرگز نگوئید که شیرینی و آب نبات است زیرا اولاً از نظر اصول اخلاقی دروغ گفتن درست نیست و دوم اینکه خاطره ای در بچه باقی خواهد گذاشت و ممکن است احياناً دوارا به جای شیرینی گرفته و آن را تا آخر بخورد .

۵ - هرگز در تاریکی دوا نخورید و به بچه ها دوا ندهید زیرا ممکن است اشتبهاً به جای دوا مواد سمی مصرف شود .

۶ - هرگز داروهای غیر ضروری و بقایای داروی مصرف شده را در منزل نگاه ندارید و داروهای بدون برچسب و علامت را دور بیندازید .

۷ - ظروف خالی موادی را که برای ظرف شستن ، و یا ظروف خالی مواد شیمیائی مورد مصرف آشپزخانه و منزل را ؛ دور بیندازید و آنها را برای مصارف خانگی مانند ریختن نمک و فلفل و غیر آن مورد استفاده قرار ندهید و همچنین مواد سمی برچسب دارا از ظرف خودش به داخل ظرف دیگر که برچسب ندارد منتقل نکنید .



جلوگیری از مسمومیت :

روشن است که جلوگیری از مسمومیت ؛ خیلی عاقلانه تر از معالجه کردن آنست ؛ برای جلوگیری باید نکات زیر را رعایت نمود :

۱ - لازمست تمام دواها ؛ مواد سمی ، نفت و بنزین و موادی که برای تمیز کردن ظروف آشپزخانه بکار می رود ، کاملاً از در دسترس بچه ها بدور باشند .

۲ - داروهاییکه پس از معالجه بیمار باقی مانده اند باید در جایی قرار گیرند که در دسترس بچه ها و گربه نباشد . هنگام بازی کردن گربه با شیشه های دارو ممکن است سر آنها باز شود و دارو در دسترس بچه ها قرار گیرد .

۳ - هرگز دواها و مواد سمی را در قفسه هایی که مواد غذایی می گذارند نباید قرار داد .

۸ - میوه‌ها را همیشه قبل از خوردن بخوبی با آب بشوئید ، چه ممکن است میوه با مواد شیمیائی سم پاشی شده باشد و هنوز اثر سم زایل نشده باشد .

گمک بکسانیکه از راه تنفس مسموم شده‌اند !

این قبیل مسمومین را هرگز وادار به راه رفتن نکنید ولی بهر نحوی که هست باید او را از صحنه حادثه بیرون کشید تا بیشتر دچار مسمومیت نشود . برای اینکار باید او را روی دست بلند کرد و بیرون کشید ، اگر این کار امکان پذیر نبود باید دست‌ها و پاهای او را گرفته بروی زمین کشید و فوراً از محل حادثه دور نمود و به‌هوای آزاد رسانید و اگر تنفس قطع شده است و یا نامنظم است فوراً تنفس مصنوعی را شروع نمود ، و بوسیله شخص دیگری یک نفر پزشک احضار نمود .

مسموم را باید گرم و آرام نگاهداشت ؛ اگر مسموم در حال تشنج باشد لازمست او را در تخت خواب قرار داد و پرده‌های اتاق را کشید تا اتاق نیمه تاریک بشود ؛ از سر و صدا جداً خود داری نمود ؛ هرگز و تحت هیچ عنوانی مشروبات الکلی (۱) به چنین مسمومی نباید داده شود .

چنانچه چشم‌های آسیب‌دیده با ماده مسموم کننده آلوده باشد باید مسموم را بروی زمین و

به پشت خوابانید و یک قوری را با آب پر کرده و بعد از باز کردن پلک‌های چشمان مسموم ؛ با جریان ملایم آب قوری ؛ چشم‌های وی را کاملاً شست و تأخیر در این کار ولو چند لحظه ؛ ممکن است صدمات و ضایعات زیادی در چشم بگذارد ؛ شستن چشم را تا رسیدن به پزشک باید ادامه داد ، داروهای ضد عفونی مثل «آسید بوریک» و یا سایر مواد شیمیائی دیگر را ؛ به چشم آسیب‌دیده نریزید زیرا این مواد ممکن است باعث صدمه بیشتر چشم شوند .

برای نجات مسمومین گاز ، نباید کاری کرد که جان نجات‌دهنده به‌خطر بیفتد . چنانچه برای نجات آسیب‌دیده وارد اتاقی میشوید که گاز اطاق باز است باید تمام کارها بسرعت انجام پذیرد ؛ برای اینکار باید نفس عمیق کشید ، و وارد اطاق بشوید و نفس خود را حبس کنید و در همان حال ؛ آسیب‌دیده را فوری از اطاق خارج نموده به‌هوای آزاد برسانید ، برای نجات کسانی که در تهِ چاه ؛ دچار گاز گرفتگی میشوند ، نباید بدون وسایل کافی به تهِ چاه رفت .

به اطاق و یا جائیکه کسی بوسیله گاز سمی مسموم شده است تنها ، وارد نشوید بلکه باید کسی در بیرون مواظب شما باشد که در صورت کوچکترین ناراحتی به نجات خود شما بشتابد .

(۱) واضح است که مسلمانان در هیچ شرایطی هرگز بفر دادن مشروب الکلی به مسموم نخواهند بود ولی این تذکر برای سایر افراد است .

پارچه‌ای را یا آب سرد خیس کرده روی بدن وی قرار داد و اگر ممکن باشد بهتر است از لوله آب بطور ملایم و مداوم روی گرم‌زده آب ریخت و یا در یک ظرف و یا «وان» پراز آب کاملاً سرد، قرار داد.

اگر گرما زده در حال بیهوشی نباشد يك قاشق آتش خوری نمک را، در يك لیتر آب حل کرده و تدریجاً بوی بخورانی (۱)

از حال رفتن در اثر گرما :

این وضع غیر از آفتاب زدگی است و در اثر حرارت اطاق و یا حمام و غیر آن ایجاد میگردد؛ در این حال رنگ انسان می‌پرد، پوست بدن، تروچسبناک است؛ نبض، تند و سطحی است، انسان، ضعف و بیحالی و سردرد و تهوع دارد. ممکن است ماهیچه‌های شکم و ساق پاها چنک شود.

برای کمک نخستین، باید شخص را از محل گرم به محل سرد برد، البته نباید خیلی سرد باشد که باعث لرز شود، لازمست پاهارا بلند کرد، و روی بالش یا صندلی گذاشت تا بالاتر از سر قرار گیرد، اگر بیهوش نباشد باید محلول آب نمک (بمقدار يك قاشق آتش- خوری در يك لیتر آب) بتدریج بوی بخورانی و در ضمن باید به پزشک اطلاع داد تا برای معالجه حاضر شود.

بعد از بیرون آوردن مسموم از محل حادثه باید بلافاصله به تنفس مصنوعی مشغول شد و اگر حال مسموم، خوب باشد هرگز ویرا و ادار به راه رفتن نکنید.

کمک به برق زده :

اگر برق زده هنوز باسیم برق تماس دارد، هرگز باو دست نزنید زیرا برق شما را نیز خواهد گرفت مگر اینکه به نحوی جریان برق، قطع شده باشد. هرگز با جسم فلزی و یا چوب‌تر برای جدا کردن سیم برق اقدام نکنید زیرا فلز و آب جریان برق را از خود میگذرانند، باید با چوب و یا تخته خشک سیم را جدا کنید و زیر پای خودتان نیز تخته خشک قرار بدهید بعد از آنکه برق زده را از سیم جدا کردید و یا اینکه قبلاً جدا شده باشد فوری تنفس مصنوعی را شروع نمایند بویژه تنفس، دهان بدهان خیلی مؤثر است.

کمک به گرم‌زده یا آفتاب‌زده

علائم گرما زدگی عبارتست از: تب زیاد؛ سرگیجه؛ سردرد؛ خشکی و گرمی پوست، سرخی صورت و تندی نبض. حالات شدید گرما زدگی، بیهوشی نیز ایجاد می‌کند. اولین کار که باید کرد اینست که به پزشک اطلاع داد و سپس تکمه‌های لباس هارا باز کرد و با آب سرد بدن گرم‌زده را شست و

۱- در مراسم حج این حالت گاهی اتفاق می‌افتد چون عده‌ای از زائران به هوای

گرم و کاربرد آفتاب عادت نکرده‌اند.

بیت الحکمه

نخستین کتابخانه اسلامی



ملت عرب قبل از پیدایش اسلام از هنر خط و کتابت بهره کافی نداشت ؛ هرچند از حافظه قوی ، و تخیل سرشار بهره‌مند بود ولی محفوظات او ، از اشعار و افسانه‌ها و انساب و «ایام عرب» تجاوز نمی‌کرد و معلومات او در ادبیات بدوی و جاهلی خلاصه می‌گردید . روزی که ستاره اسلام در حجاز طلوع نمود تنها در میان آنان هفده نفر درمکه و یازده نفر در مدینه با خواندن و نوشتن آشنائی داشت (۱) در آن محیط جهل و نادانی مرد کامل به کسی می‌گفتند که دارای دو امتیاز « تیر اندازی » و « نویسندگی » باشد (۲) و طبیعی است که تعداد این افراد از شماره انگشتان تجاوز نمی‌کرد .

« ابن خلدون » مورخ نامی عرب ، در مقدمه تاریخ خود گوید : « ملت عرب در آن روزگار با درس و کتاب و تألیف آشنائی نداشتند و نیازی هم در این باره در وجود خود احساس نمی‌کردند ، و تنها سواد خواندن نامه کافی بود که فردی با سواد و دانشمند تلقی شود و روی همین اصل بود که حاملین قرآن را « قاری » مینامیدند ، یعنی قدرت خواندن و قرائت را دارد دیگر اینکه معلومات او در چه حدود است معیار و میزانی در کار نبود .. » (۳) چنانکه یکی از نویسندگان غربی می‌گوید :

« در آن موقع هنر نوشتن و خواندن در نظر عرب اهمیتی نداشت بهمین جهت در قبيله قریش بیش از هفده تن خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و معلوم نیست خود

۱ - فتوح البلدان بلاذری ص ۴۷۳ چاپ قاهره .

۲ - : فجر الاسلام ص ۱۴۱ ۳ - : مقدمه ابن خلدون ص ۱۱۷

پیامبر اسلام شخصاً چیزی نوشته باشد و کاتب مخصوصی داشت ، معذالك معروفترین و بلیغترین کتاب زبان عربی بزبان وی جاری شد و دقایق امور را بهتر از مردم تعلیم یافته ، شناخت» (۱)

در پرتو اسلام :

نهضت علمی که آئین اسلام در این باره بوجود آورد از چند نظر قابل ملاحظه است : نخست اینکه طبع اسلامی ایجاب میکرد ، که مردم خواندن و نوشتن را فرا بگیرند آیات قرآن مجید که بوسیله نویسندگان وحی ثبت میشد در اختیار دیگران قرار میگرفت کسانی که با قرائت آشنائی داشتند موظف بودند که به بیسوادان هم قرائت کنند ، چون همه مسلمانان در نماز و خطبه و یادگیری بر نامه زندگی ، احتیاج فراوان بفرا گرفتن قرآن داشتند و هر مسلمانی سعی داشت بتواند قرآن را مستقیماً یاد بگیرد .

دوم ؛ اینکه شخص پیامبر اکرم (ص) مردم را بفرا گرفتن کتابت و نویسندگی و قرائت تشویق میفرمود و علاقه مند بود مردم از تاریکی جهل و بیسوادی نجات پیدا کنند همه مورخین این موضوع را درباره « فدیة » جنگ بدر نوشته اند که آنحضرت خسارات جنگی برخی از اسیران را خط آموزی ده تن از اطفال مدینه تعیین فرمود .. « و باز نوشته اند که به زید بن ثابت که استعداد کافی بفرا گرفتن زبان بیگانه داشت این چنین فرمود : « زبان سریانی (زبان یهود) را یاد بگیر چون گاهی من احتیاج پیدا میکنم که به آنان (یهودیها) نامه بنویسم ولی اطمینان ندارم که نویسندگان آنها در نامه ها و اسناد من دستی نبرده باشند» (۲) و بالاخره با توسعه فتوحات اسلامی و گسترش منطقه نفوذ اسلام مسلمین بیش از پیش ، احساس نیاز به نویسندگی و کتابت کردند چون اداره کشورهای مفتوحه جز در پرتو آشنائی بفرهنگ ملل تازه امکان نداشت چنانکه نوشته اند : «دفتر عراق بزبان فارسی ، و دفتر شام به زبان لاتینی و دفتر مالیاتی مصر بزبان قبطی بود» (۳)

نظر باین نیازمندیهای دینی و اجتماعی و اختلاط مسلمانان با سایر ملت های جهان بود که در کمترین فرصت افراد باسواد و تحصیل کرده در میان مسلمانان رو بفزونی گذاشت و زمینه مواد اولیه کتابخانه ها فراهم گردید اگر روزی جنگ و غارت مواد اشعار و افسانه های

۱ - ویل دورانت درج ۱۱ از تاریخ خود ص ۱۴

۲ - صحیح بخاری بنا بقول فجر الاسلام ص ۱۴۲ چاپ قاهره .

۳ - مجموعه مقالات شبلی نعمانی ص ۴

جاهلی را تشکیل میداد با طلوع خورشید اسلام ، قرآن الهام بخش اندیشه‌ها و نوشته‌ها گردید و احادیث و گفتارهای پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان دینی ؛ طرز افکار را منقلب ، وافق دیدها را دگرگون ساخت ، تفسیر و حدیث و قهوکلام جایگزین اشعار و افسانه‌ها و اسبابو ایام عرب گردید ، و رواج صنعت کاغذ باین امر کمک شایان کرد تا اینکه در دوران تابعین شالوده کتابخانه‌ها در محیط اسلامی ریخته شد. ابن ندیم می‌نویسد :

« با یکی از شیعیان کوفه که نامش محمد بن الحسین و معروف به ابن ابی بصره بود آشنا شدم کتابخانه‌ای داشت که مانند آنرا تا آنروز ندیده بودم ، عجیب این بود که در هر کتاب و ورقه‌ای ثبت شده بود که نام نویسنده کتاب در آن نوشته شده بود ، و جمعی از علما بر آن شهادت داده بودند در آن کتابخانه نوشته‌ها و اسناد و پیمانهای از علی بن ابیطالب و امام حسن و حسین (ع) موجود بوده و نگهداری میکشت در آن میان نوشته‌هایی از سایر اصحاب و بزرگان و نویسندگان وحی وجود داشت و اغلب این نوشته‌ها بر روی پوست آهوان و کاغذهای چینی و حجازی ترسیم شده بود چنانکه در همان کتابخانه کلماتی از ابی الاسود دؤلی درباره نحو ، و کتابهایی در نحو و لغت بخط «اصمعی» ، «ابن الاعرابی» ، «سیبویه» ، «فراء» ، و «کسائی» وجود داشت (۱) »
 «مقریزی (متوفای ۸۴۵هـ) قرآنی را که بخط علی بن ابیطالب بوده در کتابخانه خلفای فاطمی مصر مشاهده کرده است که در یک محفوظه نقره ای محافظت میشده است (۲)»

نخستین کتابخانه عمومی در اسلام :

هنوز قرن دوم اسلام سپری نگشته بود که کتابخانه باشکوهی در یکی از شهرهای بزرگ اسلامی چشم بینندگان را خیره میکرد و آن کتابخانه «بیت الحکمه» بغداد بود گر چه این کتابخانه ، در عهد خلفای عباسی تأسیس شد ولی بقول شبلی نعمانی : «تحقیق این امر که سرمایه آن کتابخانه‌ها از کجا بدست آمد لازم است بعقیده برگشته و بدورانهای اول اسلام رجوع نمائیم ، مسلم است آیات قرآن و احادیث و نامه‌ها و اسناد و پیمانهای پیامبر اسلام و کتابهای پیشوایان دینی ، زیر بنا و سنگ اساسی این مؤسسه علمی را تشکیل داده بود .

کتابخانه مزبور مانند مؤسسات علمی روز از دو بخش مستقل تشکیل یافته بود ، بخشی از آن به نگهداری و محافظت کتابها اختصاص داشت و بخش دیگر آن به ترجمه کتابهای خارجی مختص بود که بزبان عربی برگردانده میشد در این قسمت با کمال بی‌غرضی و وسعت مشربار هر گونه کتاب علمی و از هر دانشمندی بفرآخور رشته تخصصی او در ترجمه کتابهای غیر عربی

برای ترجمه استفاده می‌شد، و اغلب کتابهای فارسی و یونانی و هندی و سریانی و قبطی در این بخش ترجمه شده است.

رئیس کتابخانه که یک مرد ایرانی از برمکیان بود بیشتر علاقه نشان میداد که کتابهای فارسی ترجمه گردد آنچه از وضع عمومی کتابخانه استفاده می‌شد اینکۀ دائره ترجمه قسمت مهم کتابخانه را تشکیل میداده است تنها رقم پولیکه در راه ترجمه کتابهای یونانی تا آنروز خرج شده بود بالغ بر سیصد هزار دینار نقل گردیده است (۱) گرچه رساله‌های فلسفی و منطقی ارسطو و برخی از کتابهای فارسی مانند «کليلة و دمنه»، «خدائی نامه»، «آئین نامه»، «انوشیروان نامه» و کتاب معروف «الادب الکبیر والادب الصغیر» و «جنک رستم و اسفندیار» و «بهرام چوبین» و چندین کتاب تاریخی و ادبی از زبان یونانی و فارسی پیش از تأسیس کتابخانه بوسیله عبدالله بن مقفع و سایر دانشمندان خارجی ترجمه شده بود (۲) ولی چون دوران تأسیس آن کتابخانه همزمان با فتوحات و گسترش آئین اسلام بود بدینجهت کتابهای فراوانی از اطراف و اکناف جهان به مرکز کشور اسلامی حمل میشد و بوسیله مسلمانان و سایر دانشمندان بیگانه که در استخدام کشور اسلامی بودند ترجمه میشد (۳)

بخش ترجمه کتاب از کتابهای متنوع انباشته شده بود و هر نوع از کتب مسئول و رئیس خاصی داشت پس از فتح آسیای صغیر کتابهای فراوان یونان که اغلب درباره فلسفه بود به بغداد حمل شد و «یوحنا ی ماسویه» مترجم معروف، مامور ترجمه و تنظیم آنها گردید و ترجمه کتابهای سانسکریت بعهدہ یک طبیب ماهر هندی گذاشته شده بود که پزشک ویژه خلیفه بود و هم او بود که کتاب «شربت» را درده باب و کتاب «سامیکا» را درباره علاج انواع سموم و زهرها از هندی ترجمه کرد، چنانکه مسئول بخش فارسی «سهل بن هارون» بود که تعدادی از ایرانیان از خاندان شاکری و نویخت تحت نظارت او کار میکردند از افرادی که در این مؤسسه علمی عضویت و فعالیت داشته‌اند اسامی دانشمندان معروف «ابن بختیشوع» «یعقوب کندی» «ابن البطریق» «علان شعوبی» «حنین (نویسنده المسائل الطبیعه)» «سعید بن هارون» «سلمویه» و «حجاج بن مطر» بچشم میخورد که هر کدام از آنها دارای تألیفات و آثار سودمند در فلسفه و ادبیات و طب و شیمی هستند (۴)

۱ - دائرة المعارف فرید و جدی ج ۸ ماده کتب

۲ - مقالات علامه شبلی نعمانی ص ۱۴

۳ - طبقات الاطباء ج ۲ ص ۳۳ و الفهرست ص ۳۰۳

۴ - مقالات شبلی نعمانی ص ۱۴۲

يك سند تاريخي :

در بخش نگهداری کتابها علاوه بر اشعار و قصائد و داستانهای جاهلیت، اسناد و نامه‌های باستانی نگهداری میشد که برخی از آنها بسیار جالب است چنانکه يك سند قرضه بخط عبدالمطلب جد بزرگوار پیامبر اسلام (ص) که بر روی پوست آهونوشته بود نمونه‌ای از آنها بشمار میرود و متن آن چنین است « حق عبدالمطلب بن هاشم من اهل مکه علی فلان بن فلان من اهل وزل صنعا الف درهم فضة کيلا بالحديده متى دعابه اجابه شهد الله والملك ان » (۱)

تعداد کتاب :

گرچه برخی از نویسندگان مانند: « جرجی زیدان » مسیحی شماره کتابهای آن مؤسسه علمی را تا « چهارمیلیون » دانسته‌اند (۲) ولی حقیقت اینست هنوز آمار دقیقی از منابع مورد وثوق در اختیار نیست آنچه تردید ناپذیر است اینکه « بیت الحکمه » عالیترین مؤسسه علمی و کتابخانه آنروز بوده است و اینکه این کتابخانه تا کی باقی بوده است آنچه از نوشته صاحب طبقات و دائره المعارف اسلامی استفاده میشود این کتابخانه تا قرن هفتم هجری باقی بوده و صاحب طبقات در بیوگرافی یکی از مترجمین کتابخانه بنام « حنین » از کتابهای همان کتابخانه استفاده کرده است و در حمله تاتار از میان رفته است .

پس از تاسیس بیت الحکمه دیگران هم در بغداد ب فکر تأسیس کتابخانه افتادند بعنوان نمونه از آنها کتابخانه شاپور وزیر بهاء الدوله رامیتوان نام برد که بیش از ده هزار جلد کتاب داشت و لی در سال ۴۴۷ دوائر آتش سوزی بغداد تمام کتابهای آن از بین رفت .

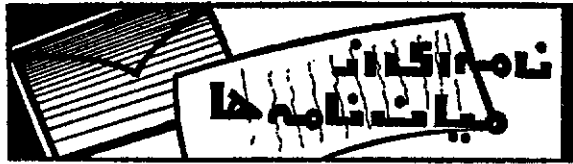
بقیه از صفحه ۳۴

خواهد گسترده . و باز در تأیید این معنی و بمنظور جلب توجه مسلمین بعظمت آن می گوید : « وَأَنَّ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ، وَ أَحْذَرَهُمْ أَنْ يَقْتُنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلِمْنَا أَمَا بُرِيدُ اللَّهِ أَنْ يَصِيبَهُمْ بَعْضٌ دُنُوْبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (۳) » یعنی در میان آنان مطابق آنچه خدا نازل نموده داوری بنما ، و از هوی و هوس آنان؛

پیروی مکن و متوجه باش که ترا از آنچه که خداوند نازل کرده است باز ندارد و اگر از حکم الهی روی بگردانند آگاه باش که خداوند آنان را با نتیجه برخی از گناهان خود رو بر و خواهد ساخت و بسیاری از مردم از اطاعت خدا روی گردان هستند .»

۱ - فهرست ابن ندیم مقاله دوم از فن اول ص ۱۳۸ .

۲ - تاریخ تمدن اسلام ج ۳ ص ۳۱۹ (۳) آیه ۴۹ از سوره مائده



قابل توجه گردانندگان تلویزیون ملی

شمارا بخدا بگوئید باین برنامه‌ها خاتمه دهند!!

قبل از هر چیز از اینکه نامه خود را با چنین عنوانی آغاز میکنم عذر میخواهم ولی چاره چیست؟ موضوعیکه مرا بر آن داشت تا این نامه را برای شما که پاسداران آخرین جبهه اخلاقی در اجتماع غرق در فساد ما هستید بنویسم این بود که: دوزخ قبل بمنزل یکی از رفقارفته بودم پس از صرف غذا مشغول صحبت با دوستم شدم که در اینموقع به علت اصرار بیش از حد بچه‌ها، دوستم مجبور شد تلویزیون خانها را روشن کند.

قبلا باید بگویم که تلویزیون برنامه‌هایی کوتاه مدت تحت عنوان «گوناگون» دارد که در این برنامه‌ها باصطلاح تماشاگران را از آخرین پیشرفتهای صنعت و تکنولوژی عصر مطلع میسازند.

بهر حال از قضا در آن ساعت نیز همین برنامه از تلویزیون پخش میشد که ناگهان مشاهده کردیم، که پس از آن که فیلم دختر خانمی را مدتی نشان دادند، گوینده در توصیف جمالوی چنین گفت که: نمیدانم چی چی خانم که فقط ۱۷ سال دارند بسختی بر قابت با خواهر بزرگتر خود که چندی قبل زن فلان آواز خوان معروف بود، پرداخته‌اند بدین معنی که این دوشیزه!!!! جوان که هنوز ازدواج نکرده‌اند!! دارای فرزندی سه‌ماهه هستند! و پدر این فرزند! نیز که خود دارای چند زن و بچه است قصد دارد زن خود را طلاق گفته این دوشیزه جوان را، بقصد خود درآورد.

سخن گوینده هنوز با تمام نرسیده بود که فرزند خردسال دوستم رو پیدارش کرد و با لحنی صادقانه و معصوم که حاکی از پاکی و خلوص نیت کودکانه او بود پرسید: «بابا چطوری میشه که زن که هنوز عروسی نکرده بچه دار شود مگر خودشما چند وقت قبل که من ازتون پرسیده بودم نگفتین زن و مرد وقتی عروسی کردند خدا بهشون بچه میده»!!

بخدا قسم من از فرط شرم می خواستم زمین دهان باز کنند و مرا در کام خود بیلند. حال میخواستم از شما سؤال کنم ترا بخدا بگوئید آیا با این عمل، این اجتماع و جوانان

امضاء محفوظ

آینده آن اصلاح خواهند شد؟

(۲)

در تشریح فلسفه احکام باید از ظن و گمان پرهیز کرد

احکام و دستورات جامع دین اسلام شامل دودسته عمده است: یکی دستورات مربوط به تکمیل و تهذیب هر فرد از افراد اجتماع که در صورت پیروی از آنها، هر فردی به کمال انسانیت میرسد و دارای نفسی پاک و روحی ملکوتی میگردد و در هر دو جهان خوشبخت میشود. دیگر احکام و قوانین مربوط به همبستگی افراد و نظام احسن اجتماعات در صورتیکه افراد هر جامعه باین دستورات رفتار کنند از چنان اجتماعی مدینه فاضله و تمدن و فرهنگ عالی و انسانی پدید می آید و افراد بایکدیگر در بهترین همزیستی مسالمت آمیز و صفا انگیز؛ بسر میبرند.

دسته اول شامل عبادات و طاعات از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد و شرایط و فروع هر یک میباشد و دسته دوم مشتمل بر اموری است که ارتباط بمعاش و نظام اجتماعات و همزیستی افراد با یکدیگر دارد از قبیل مسائل حقوقی (عقود و ایقاعات) و امور جزائی و احکام و سیاسات (قصاص و دیات و فرائض و غیر آنها).

در دسته اول رابطه انسان فقط با خدا و خداوند است و شرط اصلی قبول عبادات، قصد قربت و خلوص نیت و غرض و نتیجه آن تهذیب اخلاق و تکمیل قوای روحانی و رسیدن بمقام عالی انسانی است در صورتیکه مسائل و احکام دسته دوم بمنظور همزیستی مسالمت آمیز افراد بایکدیگر و بهبودی وضع معاش و زندگی این جهان و آبادی مراکز اجتماع مردم میباشد. در کتب فقه و رسائل عملی در آنجا که از عبادتها بحث میشود، نخست درباره «قصد قربت» و حضور و صفای قلب و خالی بودن نیت از آرایش ریب و ریا و منافع مادی بتفصیل گفتگو شده است.

چنان نیت و قصد قربتی، بیقین جز از راه ایمان و تعبد صرف (۱) از راه دیگری، بدست نمی آید. هر نوع چون و چرا و سودو زنیانی اگر نیت گزارنده عبادت را آلوده کند آن عبادت از قصد قربت بدور میشود و خاصیت و نتیجه اصلی آن از میان میرود. کسانی که از روی ایمان و عرفان و از روی نیت خالص و قصد قربت در ساعات روز و دل شب عبادت خدای یکتا می پردازند و در هر حال و هر مقام پیروی از دستوراتش میکنند؛ از خود عبادت چنان لذت و حظی میبرند که هیچیک از لذایذ نفسانی و جسمانی جای آن را نمیگیرند، این است فلسفه و علت حقیقی عبادات.

در واقع عبادت گزار؛ بمنزله عاشق دل باخته و معبود بمنزله معشوق حقیقی است و دوست داشتن عاشق؛ معشوق را و سپاس و ثنای وی گفتن؛ هرگز بقصد دریافت پاداش و رسیدن بسود و بهره ای نیست بلکه انگیزه آن قطره همان عشق و شیفتگی است. و عاشق هرگز برای عشق و ورزی و دوست داشتن، دنبال فلسفه و علت نمیرود (۲)

این معنی هزاران بار؛ در عبودیت و عبادت که نتیجه عشق و واقعی عبادت گزار بمعشوق حقیقی و معبود علی الاطلاق است؛ بیشتر است از عشقه های ظاهری و مجازی.

از آنچه باختصار گفته شد بخوبی روشن میگردد که فلسفه و علت و سود عبادات در خود آنها نهفته است و اگر عبادت گزار بی منظور دریافت سود و بهره ای محسوس و محدود، در مقام بندگی و عبودیت بر آید همچون سوداگری است که عبادت خود را وسیله سودجویی و بازرگانی قرار دهد این معنی منافات ندارد که هر مسلمان مکلفی با اندازه توانایی و دانایی خود در باره

۱ - می دانیم تعبد، از نظر ادبی و لغوی با کلمات عبد و عبادت هم ریشه است و این معنی کاملاً موافق است با حقیقت عبادت که بندگی و ستایش خداوند است بقصد شایستگی و بزرگداشت او نه بامید بهشت و ترس از دوزخ چنانکه سرور مؤمنان و پیشوای پرهیزگاران علی (ع) فرمود: *ما عبدت الله خوفاً من ناره ولاطمعاً فی جنته بل وجدته اهلاً للعبادة* (خدا را برای ترس از آتش و امید به بهشت او پرستش نمیکنم بلکه او را شایسته پرستش یافتم).

۲ - مفسر بزرگ و بزرگوار شیخ طبرسی در کتاب تفسیر نمیس خود «جامع الجوامع» در تفسیر آیه کریمه «یا کعبده» چنین نوشته است: «عبادت آخرین درجه شکر و منتهای مرتبه فروتنی و کوچکی است و از این رو جز برای خداوند که بزرگترین نعمتها از جانب اوست برای وجود دیگری شایسته نیست» معلوم است که عمل سپاس و شکر برای فلسفه و علتی انجام نمی یابد بلکه شایستگی معبود و شیفتگی عبادت گزاران کیزه عبادت است.

روش صحیح برگزاری عبادات ؛ بحث و فحص کند و آنچه را قرآن بدان گویاست یا از پیغمبر و امامان رسیده است بهمان کیفیت که دستور داده شده است انجام دهد .

و نیز بطریق اجمال و از روی ایمان یقین پیدا کند که انجام هر یک از عبادات (اعم از واجبات و مستحبات) و دوری از کارهای ناروا (چه محرّمات و چه مکروهات) برای وی سودهای فراوان دارد و خیر و صلاح او را درین جهان و آن جهان فراهم میکند اما اینکه بتفصیل خواسته باشد علت کیفیت و کمیت یکی یکی از عبادات و فلسفه تشریح آنها را بدست آورد و علت را محدود کند در آنچه خود فهمیده است ؛ گذشته از اینکه این گمان بقصد قربت و خلوص نیت وی زیان وارد می آورد ؛ نتیجه درستی هم ازین کنجکاوی بیهوده بدست نخواهد آمد .

کسانی که از روی گمان و قیاس برای احکام عبادی فلسفه و علت بیان کنند در بسیاری از موارد در راهی گام میزنند که خداوند در باره آنان فرموده است: «بل کذبوا بآیاتنا بما لم یحیطوا بعلمه ولما یاتهم تاویلہ» (۱) و پیامبر در ارزش چنین گمانها و قیاسها چنین فرموده است: «من عمل بالمقایس فقد هلك و اهلك» (۲)

بقیه از صفحه ۲۹ امتیازات رهبران آسمانی

آن راه ندارد می گیرند و از این نظر مزیت چشمگیری بر دیگران دارند .

قرآن کریم این ایراد را از منکران اصل لزوم بعثت پیامبران نقل کرده است ، آنجا که

میفرماید: **قَالُوا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ...** ولی بافاصله به آن چنین پاسخ میگوید :

قَالَتْ رَسُلُهُمْ اِنْ نَحْنُ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلِكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلٰی مَنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ...

(ابراهیم ۱۰-۱۱)

همچنین قرآن با جمله « قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی ، .. به نقطه اشتراک پیامبران

با دیگران اشاره کرده و رسانده است که از این نظر میان آنها و دیگران قرقی نیست ولی با جمله

« **یُوْحٰی اِلٰی** » به نقطه امتیاز و رمز لزوم پیروی از آنها اشاره مینماید .

اینها دلائل چهارگانه بر همنها است، که شهرستانی نقل کرده و مرحوم محقق طوسی در

تجربید (۳) به برخی از این دلائل اشاره کرده و پاسخ گفته است .

۱ - سوره یونس ؛ ۴۰ - ۲ - کافی ج ۱ چاپ حیدری

۳ - شرح تجربید علامه ص ۲۱۷ چاپ صیداء و شرح تجربید نظام الدین قوشچی

در فیلیپین مسلمانان می جنگند!

از تلفات زد و خورد بما گزارش نشده است. شهردار جزیره «آمارا»، که چندی پیش در آنجا ۵ مسلمان را تیرباران کرده اند گفت فقط در این ناحیه ۵۰ نفر ظرف دو ماه گذشته کشته شده اند.

۴ هزار نفر مسلمان شدند

کوتا کینابولا - رئیس مجمع عمومی کوتا کینابولا امروز اعلام کرد که در سال جاری ۴ هزار تن از مردم این کشور آفریقائی بدین اسلام گرویده اند وی گفت ۶۰ درصد از این عده از قبیله «پاگان مورتا» هستند.

وی گفت: پذیرش دین اسلام از طرف این عده به زور و اجبار صورت نگرفته بلکه آنان خود، پس از مطالعه کافی وی بی بردن به حقانیت اسلام، این دین را پذیرفته اند.
از: اطلاعات شماره ۱۳۴۶۷

حزب اسلامی ترکیه

استانبول - خبرگزاری فرانسه - پرونده محاکمه حزب «نظام ملی» ترکیه به جرم «فعالیت علیه اصول حکومت غیر مذهبی ترکیه و اصول اصلاحی آتاتورک» در آنکارا گشایش یافت!

دادستان کل جمهوری ترکیه در دادخواستی

جنگجویان مسلح مسلمان و مسیحی در شهر «کوتاباتو» بازم به زد و خورد های خود ادامه میدهند و گفته می شود که در ۸ ماه گذشته بیش از هزار نفر در این زد و خورد ها کشته شده اند.

در شهرهای شمالی «کوتاباتو» چند مقام رسمی اسنادی را به خبرنگاران نشان داده اند که در آنها خواستار جدائی فوری جزایر مسلمان نشین جنوبی از فیلیپین شده اند. این اسناد را يك فرماندار سابق موسوم به «داتراودتوك ماتالام» با نفوذترین مسلمان ناحیه، امضاء کرده است.

مقامات پلیس میگویند فقط يك گروه مسلمان با نهضت استقلال طلبان ارتباط دارد.

يك کشیش رومن کاتولیک گفت که او را مسیحیان تهدید بمرک کرده اند چون «گفته ام آنها حق ندارند از طلسم های سمبولیک برای پیروزی در جنگ استفاده کنند»!

وی گفت: تبه های اطراف این شهر را مردان مسلح مسلمان و مسیحی، پر کرده اند. سرهنگ «کارلوس کازلو» فرمانده پلیس گفت: از ژوئیه گذشته که نبرد مسیحیان و مسلمانان شروع شده تا کنون ۴۰۰ نفر کشته شده اند، اما باید یادآور شوم که بسیاری

که تقدیم دادگاه کرد خواستار انحلال این حزب که دارای سه نماینده در مجلس است شده است، در پرونده گفته شده که اعضای حزب در کنگره های محلی خود؛ **خواستار برقراری حکومت** مذهبی شده اند و « پرفسور نجم الدین ارباکان » رهبر آنها گفته است:

« در صورت رسیدن بقدرت نخستین کارما بازگرداندن موزه صوفیه به فرهنگ اسلامی و نماز خواندن در آنجا خواهد بود. **مسجد صوفیه در ۱۹۳۵ توسط آنا توروک به موزه تبدیل شد!**

از: کیهان شماره ۸۳۱۶

شناسائی رسمی دین اسلام در بلژیک

بروکسل - خبرگزاری فرانسه، سه سناتور بلژیکی با توجه به تعداد مسلمانانی که اکنون در آن کشور بسر می - برند پیشنهاد کردند که مذهب اسلام همپایه سایر مذاهب « کاتولیک - انگلی گان - پروتستان، یهود » برسمیت شناخته شود در حال حاضر سی هزار مسلمان در بلژیک زندگی میکنند و شهر لیجوآک که عده زیادی از مسلمانان در آنجا سکونت دارند، دارای مسجد بزرگی می باشد و یک مسجد دیگر در شهر لیژ ساخته شده است و بزودی یک مسجد بزرگ نیز در شهر بروکسل بنا خواهد شد که گنجایش یک هزار نفر را خواهد داشت. جامعه مسلمانان ساکن بلژیک همچنین درخواست کرده اند که یک گورستان مخصوص هم برای

مسلمانان اختصاص داده شود .
با شناسائی رسمی مذهب اسلام در بلژیک جامعه مسلمانان این کشور حق دریافت کمک خرج از دولت را خواهند داشت .

یک تیم بازرس از سنا عازم شهرهای آشوب زده شد تا بلکه بتواند صلح را مستقر نماید و در همین حال « فردیناند مارکوس » رئیس جمهوری فیلیپین در کاخ خود با رهبران مسلمان ، مذاکراتی را آغاز نمود .
از کیهان : شماره ۸۲۸۷

هتل و مسجد در قرطبه

آنطونیو گزمن رینا، شهردار قرطبه پس از مسافرت کوتاهی که به پاکستان کرد روز سوم ماه مارس به اسپانیا مراجعت کرد، وی قبل از حرکت ضمن مصاحبه ای گفت: دولت اسپانیا در نظر دارد برای مسلمانانیکه بخواهند در اسپانیا تحصیل کنند در شهر قرطبه هتلی بسازد این هتل مسجدی نیز خواهد داشت، وی اظهار امیدواری کرد که روابط اسپانیا و پاکستان در آینده بهتر از پیش باشد .

دعوت از دولتهای مسلمان

آقای انعام الله خان دبیر کل مؤتمر عالم اسلام در پاکستان ضمن توضیحاتی در تاریخ ۲۵ نوامبر گفت :

باینکه ادعا میشود که مادر عصری زندگی می کنیم که استعمار از بین رفته است با اینحال باید اقرار کرد که غول استعمار نمرده است و میکوشد تا چهره کریه خود را نشان دهد با اشاره بتجاوز اخیر و ارسال اسلحه از طرف اروپائیاها برای سرکوب کردن جمهوری

گروه راهزن که از طرف دولتهای خارجی هدایت میشوند شناخته شده‌اند و ادعا شده این‌عده وارد قلمرو اتیوپی می‌شوند تا به خرابکاری و عملیات اخلاص گرانه دست بزنند، در این فرمان برخی دولتهای خارجی نیز متهم شده‌اند که به چریک‌های «اری‌تره» اسلحه می‌دهند و آنها را تجهیز میکنند و پول و اسلحه به آنان می‌رسانند تا تمامیت ارضی اتیوپی را مخدوش کنند.

حالت فوق‌العاده و منع عبور و مرور بیشتر شامل مناطق **مسلمان نشین** از جمله شهر آسامارا (اسمره) و بندرهای «مساوه و عساب» در کنار دریای احمر است.

دو ناحیه که در آن اکثر مسیحیان «اری‌تره» زندگی میکنند، از جمله «حماسین آلولگو» زای، مشمول حالت فوق‌العاده نیستند و رود بسواحل دریای احمر تا فاصله ۱۰ کیلومتری ممنوع شده است. مرز بین سودان و اتیوپی نیز شامل همین مقررات می‌شود.

حالت فوق‌العاده بخاطر کمین کردن و کشتن ژنرال «تسوسه ارگتو» فرمانده لشکر سوم حبشه توسط جبهه آزادی اریتره در هفتم پیش اعلام شده است.

جبهه نجات «اری‌تره» مورد حمایت لیبی است که سخت مورد اعتراض دولت اتیوپی قرار گرفته و متهم شده است که منشور ملل متحد و وحدت سازمان کشورهای افریقائی را نقض کرده است.

«گینه» وزیر اطلاعات مصر گفت: حمله به هر کشور افریقائی در حکم حمله بهمه قاره افریقا است و چند دولت افریقائی کمکهای لشکری به گینه کرده‌اند، در این موقع بیاد اعلامیه سال ۱۹۵۱ مؤتمر عالم اسلام می‌آیم که ضمن صدور آن گفته شده بود که حمله بطرف هر کشور اسلامی در حکم حمله بهمه کشورهای اسلامی شمرده خواهد شد و چون گینه کشوری است اسلامی با جمعیتی نزدیک به چهار میلیون نفوس بصورتیکه ۹۵ درصد جمعیت مسلمان هستند لهذا جهان اسلام صدای اعتراض را بلند می‌کند و مؤتمر اسلامی باشد تجاوز اخیر پرتغال را به جمهوری گینه محکوم می‌کند و از دولتهای مسلمان تقاضا میکند از حمایت اخلاقی و مادی جمهوری گینه خودداری ننمایند.

مسلمانان اریتره

دست بجنگهای چریکی زدند

رویتر- دولت حبشه در دولت ایالت «اریتره»، در شمال اتیوپی حالت فوق‌العاده اعلام کرد زیرا مسلمانانی که خواستار جد شدن از اتیوپی هستند دست بجنگ چریکی علیه حکومت مرکزی دست زده‌اند.

طبق فرمان دولت اتیوپی اقدامات خاصی بعمل آمده است در دستور دولت اتیوپی مسلمانان استقلال طلب «اریتره» بعنوان یک

ندارد ، باری صدای این وزیر بگوش کسی نرسید ، زیرا مطابق آخرین گزارش در قریه « دریانگا » واقع در ایالت « بهار » شورشیان ۱۹ خانه و دکان را غارت کردند و مطابق گزارش رسیده تحریک بوسیله پلیس بوده است .

(ترجمه از مجله ردینس چاپ دهلی نو مورخ ۲۲ نوامبر)

مسابقه قرائت قرآن

حکمران تازه مانزی هنگام کشایش مجلس مسابقه قرائت قرآن در شهر کوالالامپور گفت : مسلمانان باید قرآن را بعنوان کتاب قانون زندگی و راهنمای حیات خود بپذیرند زیرا قرآن سعادت و رفاه و آسایش آنها را برای این جهان و جهان پس از مرگ تضمین میکند و حاوی یکرشته قوانین و مقرراتی برای زندگی است که پایه و اساس ترقی و تکامل انسان است و باینکه ۱۴ قرن پیش نازل شده تعلیمات آن مناسب هر عصری است و سپس تأکید کرد که مسابقه قرائت قرآن فقط برای گوش دادن و لذت بردن از تعلیمات شیرین آن نیست بلکه برای فهم معانی و بکار بردن تعلیمات آنست و قرآن از ما طلب میکند که چه کارهایی باید بکنیم و چه کارهایی باید نکنیم .

از مجله «جهان اسلام» چاپ کراچی

مقامات جبهه نجات اری تره از اظهار نظر درباره اقدامات دولت خودداری کردند ایالت اری تره پس از جنگ دوم جهانی تحت اشغال حبشه در آمده است و قبلاً متعلق بحبشه نبوده است .
از: اطلاعات

مسلمانان هند

مسلمانان هند جمعیتی هستند مظلوم ! و عقب افتاده زیرا از هر جهت تعدی واقع شده اند نه از تعلیم و تربیت و تحصیل سهم کافی دارند و نه از کسب و تجارت از این گذشته نه امنیت جانی دارند و نه امنیت مالی هندوها از کشتن بزغاله خود داری میکنند ولی از کشتن مسلمانان خودداری نمی کنند جمله هائیکه در بالا ذکر شد تهمت هائی نیست که وزیر مسلمانی بزبان آورده باشد زیرا وزیر مسلمان جرأت نمی کند که باین صراحت حرف بزند ، گوینده این مطالب مستر جگیندو پراشاد وزیر برق «بهار» است که در ضیافتی در شهر کریم گنج واقع در شهرستان «گایا» بزبان آورد و نیز اضافه کرد که در شهر چیپاس شورشی روی نداده بود که هندوها و مسلمانها بیکدیگر حمله کرده باشند بلکه پلیس بر مسلمانها حمله ور شده بود آنچه در این شهر اتفاق افتاده بود در جای دیگر روی نداده بود و علت این است که در اداره پلیس و دادگستری از مسلمانان کسی عضویت

بقیه از صفحه ۳۲

و روحی است از طرف خدا پس به خدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید و نکوئید معبود سه‌تاست و از این کار خودداری کنید زیرا برای شما بهتر است. خدا فقط یکی است منزله است از اینکه پسری داشته باشد آنچه در آسمانها و زمینهاست ملك اوست و همین بس که خدا تنها تکیه گاه است (۱)

مرد ساکت شد و پس از لحظاتی چند ادامه داد:

اما بهتر است از فعالیت‌های و محبت-آمیز، «خیرتان بگویم. نهضت آزادی بخش کینه متوجه شده است که:

«در قرن ما سیاستهای غربی از جهاتی کاملا تحت نفوذ کلیسا و واتیکان هستند و از طرف دیگر کلیسا و واتیکان خود عامل امپریالیسم در سر زمین‌های اسلامی است هیئت‌های «تبشیری» در کشورهای اسلامی و بطور کلی آفریقائی و آسیائی بیشتر جنبه جاسوسی و کسب خبر دارند و حتی در بعضی از کشورها دیده شده کسانی مقامات حساس و پست‌های مهم را بدست گرفته اند که با سازمانهای بهداشتی و خیریه کلیسا ارتباط داشته‌اند و این خود نشان دهنده چگونگی نفوذ کلیسا در سیاستهای استعمار غربی و نفوذ سیاست در میسیونهای مذهبی است.

کلیسا و استعمار بهمکاری یکدیگر می-

خواهند از توسعه و پیشرفت اقتصاد و تولید کشورهای اسلامی جلو گیری کنند و توده‌های مسلمان را همیشه در فقر و بدبختی و ذلت و خواری نگاه دارند و سپس در نشریه‌های تبلیغاتی خود، آنرا محصول اسلام قلمداد کنند (۲)

میدانی کمپانیها برای چه شمارا استخدام میکنند؟ فکر میکنی که اینان قصد ترویج دین مسیح را دارند؟

چقدر ساده هستی اگر این چنین تصور کنی. کمپانیها میخواهند که تو بقیه کشیشان یک عامل تخدیری برای ملت‌های استعمار-زده باشی. آنها میخواهند که تو با تعلیم آیه «کار قیصر را بقیصر او گذار کن» مردم بومی این سرزمین را از دخالت در امور اجتماعی و سیاسی بازدارد. کمپانیها میخواهند که تو مردم را از زندگی این دنیا بازدارد و آنان را به آخرت و مسائل آن مشغول داری و آنوقت خود بفارت و حشیا نه خود ادامه دهند.

میدانی کمپانیها چرا از گسترش اسلام در آفریقا وحشت دارند. برای آنکه «اسلام هرگز نمیخواهد کسی از دنیا دست بشوید تا آخرتش برای همیشه تأمین شده باشد.

اسلام میخواهد دنیائی سالم در کنار دینی سالم و توأم با فکر آخرتی سالم در اذهان رسوخ یابد (۳)

۱- قرآن کریم آیه ۷۰ سوره رعد

۲- دومذهب صفحه ۲۶

۳- رساله‌ای پیرامون «موجبات تشمت فرهنگی در ایران» دکتر رضا براهتی

— خیلی گستاخی مرد! خاموش باش. دیگر نمیتوانم تحمل کنم .

— تو خاموش باش. ای پیشقراول استعمار و غارتگر ثروتهای انسانها و همکار مکار کمپانیها . ما میدانیم که سخن مرد قطع شد اما در همان حال من صدای نامفهوم دیگری شنیدم اینطور بمن الهام شد که جان یکی از برادران مسلمانم در خطر است . و اینطور بنظر میرسد که کشیش قصد جان مرد مجروح را کرده است . این بود که تصمیم گرفتم هر طوری شده از جایر خیزم و برادر مسلمانم را نجات دهم.

بقیه در شماره آینده

اسلام بهره کشی فرد از فرد ، غارت ثروتهای عمومی مردم و تمرکز ثروت را در دست گروهی معدود و فقر و درماندگی گروهی عظیم را سخت مجکوم میکند . مردمی که بحقایق اسلام پی ببرند هرگز حاضر نیستند یوغ بندگی و ذلت کفار و بیگانگان را بگردن بیندازند و همین باعث شده است که استعمار و کمپانیهای وابسته به آن همه نیروهای خود را برای درهم کوبیدن اسلام بسیج کنند .

کشیش که تا آن هنگام ساکت بود ناگهان فریاد زد :

بقیه از صفحه ۱۶

قانون گذار همواره باید روحیه عمومی ملت را مورد توجه قرار دهد مگر در مواردیکه با اموال دولت مخالفت داشته باشد و قتیکه قانون گزار روحیه عمومی ملت را در نظر گرفت و قوانین را وضع کرد، ملت با میل و رغبت از آنها متابعت مینماید زیرا انسان وقتی کاری را بطیب خاطر انجام داد خوب انجام میدهد» (۱)

در این نامه امام (ع) نیز به فرمانداریش دستور میدهد : «هرگز روشهای نیکو و سنتهای خوب و قوانین عادلانه ای که پیشروان این امت بنیاد نهاده، توده هارا با آنها پیوسته و امورشان را اصلاح کرده اند نقض مکن ! و هرگز سنتهای بد و روشهای ناهنجار را جایگزین آداب و سنن خوب گذشتگان مساز و بنیاد بد در اجتماع مگذار ، مبدا آنها که روشهای نیکورا بنیاد نهاده اند اجر بر ندوز و زور وبال نقض آنها بگردن تو بماند»

ولا تنقض سنة صالحه عمل بهاصدور هذه الامة واجتمعت بها الالفة و صلحت عليها الرعية ، ولا تحدثن سنة تضر بشيء من ماضی تلك السنن فيكون الاجر لمن سنها والوزر عليك بما نقضت منها

۱ - روح القوانین ص ۳۰۳-۴